حضرت زهرا (س)

و امام مهدی علیه السلام

علی مصلحی


بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع)

نویسنده:

علی مصلحی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع) ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
مقدمه ----- ۸
حضرت مهدی فرزند حضرت فاطمه ----- ۸
اشاره ----- ۸
روایات خاصه ----- ۸
روایات عامه ----- ۸
مهدی در بیان حضرت زهرا ----- ۹
مهدی در لوح و صحیفه فاطمه ----- ۹
یاد مهدی تسلای زهرا ----- ۱۰
فاطمه الگوی مهدی ----- ۱۲
فاطمه و مهدی در سوره قدر ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
حضرت زهرا بقیه النبوه و حضرت مهدی بقیه الانبیاء و بقیه العتره والصفوه و سلاله النبوه و بقیه الله است ----- ۱۳
حضرت زهرا سیده النساء و حضرت مهدی سید الخلق است ----- ۱۵
حضرت زهرا طاهره و حضرت مهدی طاهر است ----- ۱۵
حضرت زهرا مبارکه و حضرت مهدی مبارک است ----- ۱۶
حضرت زهرا زکیه و حضرت مهدی زکی است ----- ۱۶
حضرت زهرا طیبه و حضرت مهدی طیب است ----- ۱۶
حضرت زهرا مطهره و حضرت مهدی مطهر است ----- ۱۷
حضرت زهرا تقیه و حضرت مهدی تقی است ----- ۱۷
حضرت زهرا نقیه و حضرت مهدی نقی است ----- ۱۷

حضرت زهرا محدثه و حضرت مهدی محدث است ۱۷
حضرت زهرا و حضرت بقیه اللّه هر دو کوکب دری هستند ۱۸
حضرت زهرا منصوره و امام زمان منصور است ۱۹
حضرت زهرا صدیقه و حضرت مهدی صادق المقال است ۲۰
حضرت زهرا صابره و حضرت مهدی صابر است ۲۰
حضرت زهرا معصومه و امام زمان معصوم است ۲۱
حضرت زهرا مظهر آیه نور و حضرت مهدی نور آل محمد است ۲۱
حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو فریاد رس هستند ۲۱
حضرت زهرا منتظِر و حضرت مهدی هم منتظَر و هم منتظِر است ۲۳
حضرت زهرا نور اهل آسمان و حضرت مهدی نور اهل زمین است ۲۴
حضرت زهرا خیره الاحرار و سیده النساء، مادر حضرت مهدی خیره الاِماء و سیده الاِماء است ۲۵
سخن گفتن حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو در شکم مادر ۲۵
حضرت زهرا و حضرت مهدی شفیع مؤمنان در قیامتند ۲۵
مظلومیت حضرت زهرا و حضرت مهدی ۲۶
علاقه پیامبر به حضرت زهرا و حضرت مهدی ۲۷
عنایت هر دو به زائران حسین ۲۷
بیعت کسی بر آن دو بزرگوار نیست و از کسی تقیه نمی کنند ۲۸
دوری هر دو از ستمگران ۲۹
آزادی از تعلقات دنیایی ۳۰
بندگی خداوند ۳۰
مبارزه با انحراف ها و بدعت ها ۳۰
غم خواری و توجه به امور مسلمانان به ویژه شیعیان ۳۰
ایثار و انفاق ۳۱
تلاش ۳۱

پاورقی ----- ۳۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۳۸

حضرت زهرا (س) و امام مهدی (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده:علی مصلحی

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

مهـدی (عـج)، ادامه زهرا (س) و آینه تمام نمای اوست. اهـداف مهـدی (عـج) اهداف فاطمه (س)، و راه او راه فاطمه، و سـلوک او سلوك فاطمه است.فاطمه با نام مهدی شاد می شد و با یاد او خود را تسلیت می داد. بدون مهدی (عج)، تحمل شهادت حسین (ع) بر فـاطمه سـنگین می نمود. چون بی مژده ی او، رسـالت پـدرش و تمامی انبیاء سـلف را ناتمام می یافت.مهـدی باوری بی شـناخت فاطمه میسور نیست. فاطمه به چنین فرزنـدی می بالـد و مهدی نیز بر چنین مادری فخر می فروشد. مناسب است به نمونه هایی از این ارتباط و مشابهت ها در آیات و روایات و برخی تشرفات معتبر بپردازیم:

حضرت مهدی فرزند حضرت فاطمه

اشاره

مهدی (عج) ادامه ی زهرا (س) فرزند فاطمه (س) است، به بعضی از روایات خاصه و عامه اشاره می کنیم. [۱] .

روایات خاصه

الف) قـال رسول اللّه (صـلّی اللّه علیه وآله وسـلّم): المهـدی من عترتی من وُلـد فاطمه یقاتل علی سـنتی کما قاتلت علی الوحی [۲] . پیامبر اکرم (صـلّی اللّه علیه وآله وسـلّم) فرمودند : مهدی (علیه السّـلام) از خانواده من و از فرزندان فاطمه (علیهاالسّلام) است که بر اساس سنّت من جنگ می کند؛ چنانکه من بر طبق وحی جنگ کردم.قابل توجه است که پیامبر (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) در ابتدا بـه طـور کلی می فرمایـد: مهـدی از عـترت مـن است؛ سپس بـا «مِن» دایره را تنـگ می کنـد؛ که از فرزنـدان فـاطمه (علیهاالسّـلام) است.ب) روایت دیگری که دلالت بر این مطلب می کنـد، قسـمتی از حدیث لوح است؛ که خداوند فرمود: واَعطَیتُک َ یا محمد مَن اُخرِجَ مِن ص لبِهِ (یعنی علیاً) احـد عشـر مهـدیا؛ کلّهم مِن ذریتـک مِن البِکر البتول؛ آخر رَجلٍ منهم ا نجی به من الهلکه... [۳] . ای محمـد! به تو عطـا کردم کسـی را (علی) که یـازده راهنما از نسل او خارج خواهم کرد؛ که همگی از نسل تو، از زهرای بتول است. آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می بخشم... به همین دو روایت از روایات خاصه اکتفا می کنیم.

روایات عامه

الف) عن ام سـلمه، قالت: سـمعت رسولَ اللّه (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم) یقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه [۴] . ام سلمه می گوید: از پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) شنیدم که می فرمود: مهدی (علیه السّلام) از خاندان من، از فرزندان فاطمه (علیهاالسّلام) است.ب) عن الحسـین (علیه السّـلام) قال: قال رسول ا لله (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) لفاطمه: ابشری یا فاطمه؛ فانّ المهدی منک [۵] .امام حسین (علیه السّلام) می فرماید، که پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرمودند به حضرت زهرا (علیهاالسّلام): بشارت بر تو، که

مهدی از تو می باشد.ج) قتاده می گوید: از سعید پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: بله او حق است. پرسیدم : از کدام طایفه و قبیله است؟ گفت: از قریش. پرسیدم: از کدام تیره ی قریشیان؟ جواب داد: از بنی هاشم. سؤال کردم: از کدام دسته هاشیمان؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. پرسیدم: از کدام فرزند وی؟ جواب داد: از اولاد فاطمه (علیهاالسّلام). [۶] .

مهدی در بیان حضرت زهرا

محمود بن ولید می گوید: وقتی پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) از دنیا رفتند، کانت فاطمه (علیهاالسّلام) تاتی قبور الشهداء و تاتی قبر حمزه و تبکی... قلت: یا سیده النسوان ! قد والله قطعت نیاط قلبی من بکائک. فقالت : یا ابا عمرو! لحقٌ لی البکاء؛ فلقد اُصبتُ بخیر الاباء رسول ا لله و اشوقاه الی رسول الله!... قلت : هل نص رسول الله قبل وفاته علی علیّ بالامامه؟ قالت: وا عجبا! انسیتم یوم غدیرخم . قلت : قد کان ذلک؛ لکن اخبرینی بما اشیر الیک. قالت : اشهد الله تعالی لقد سمعته یقول علیّ خیر من اُخلّفه فیکم وهو الامام والخلیفه بعدی و سبطای و تسعه من صلب الحسین ائمه ابرار؛ لئن اتبعتموهم وجد تموهم هادین مهدیّن؛ و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامه . قلت: یا سیدتی! فما باله قعد عن حقه . قالت : یا با عمروا! لقد قال (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم): مثل الامام مثل الکعبه ؛ اذ تؤتی ولاتاتی. ثم قالت . اما والله لو ترکوا الحق علی اهله و اتّبعوا عتره نبیه لما اختلف فی الله اثنان و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف، حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین... [۷] .راوی می گوید: بعد از وفات پیامبرحضرت فاطمه همیشه به زیارت قبور شهدای احد میآمد و کنار قبر حمزه گریه می کرد. روزی به او گفتم: ای سرور زنان! به خدا سوگند گریه شما رگهای قلب مرا پاره کرد.حضرت زهرا جواب فرمودند : ای ابو عمرو! سزاوار است که من گریه کنم؛ چرا که به مصیبت بهترین پدران مبتلا شده ام. آه، چقدر مشتاق رسول خدایم!...عرض کردم: آیا پیامبر قبل از وفاتش تصریحی به امامت حضرت علی (علیه السّلام) کردند؟فرمودند : چقدر عجیب است! آیا روز غدیرخم را فراموش کرده اید؟!عرض کردم: بله، روز غدیر بود؛ اما منتظر چیزی هستم که پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) به شما فرموده باشد. حضرت زهرا (علیهاالسّلام) با چند تأکید فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که از او (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) شنیدم، که می فرمود: علی (علیه السّلام) بهترین کسی است که در بین شما به عنوان جانشین خود می گذارم؛ او امام و خلیفه بعد از من است و دو نوه ی من و نه نفر از فرزندان حسین (علیه السّلام) پیشوایان نیکویی هستند، که اگر از آنها پیروی کنید، می یابید که آنها هدایت کننده هدایت شده اند؛ و اگر با آنها مخالفت کنید، تا روز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود.عرض کردم: ای سرور من! پس چرا علی (علیه السّلام) از حق خود کناره گیری کرد؟ فرمودند: ای ابا عمروا! پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرمودند: مَثَل امام، مثل کعبه است؛ که باید به سوی او آیند و او به سوی مردم نمی رود. سپس حضرت زهرا (علیهاالسّلام) فرمودند: به خدا قسم اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از خاندان پیامبر تبعیت می کردند، هیچ دو نفری هم با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امر خلافت به تک تک جانشینان پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) می رسید؛ تا قائم ما، نهمین فرزند از حسین (علیه السّلام)، قیام می نمود.

مهدی در لوح و صحیفه فاطمه

حدیث لوح و صحیفه، طولا نی است و به چند نحو روایت شده است. [۸] در اینجا به قسمتهایی از آن اشاره می کنیم:... فقال جابر: اشهد بالله انی دخلت علی امّک فاطمه فی حیاه الرسول (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) اهنّئها بولاده الحسین؛ فرایت فی یدها لوحا اخضر، ظننت انه زمرد؛ و رایت فیه کتابا ابیض، شبه نور الشمس؛ فقلت لها: بابی و امی یا بنت رسول ا لله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم)! ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا اللوح اهداه الله جل جلاله الی رسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم)؛ فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنیّ و اسماء الاوصیاء من ولدی؛ فاعطانیه ابی لیبشرّنی بذلک. قال جابر: فاعطتنیه امک فاطمه، فقراته و انتسخته...: بسم الله الرحمن الرحیم؛

هذا کتاب من الله العزیز (الحکیم) لمحمد نوره و سفیره و حجابه... انّی لم ابعث نبیا فاکملت ایامه و انقضت مدته، الاجعلت له وصیّاً؛ وانی فضلتک علی الانبیاء و فضّلت وصیک علی الاوصیاء و اکرمتک بشبلیک بعده و سبطیک حسن وحسین؛ فجعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مده ابیه و جعلت حسینا خازن وحی و اکرمته بالشهاده... بعترته اثیب و اعاقب؛ اوّ لهم (علی) سید العابدین و... و ابنه شبیه جدّه المحمود محمد الباقر لعلمی... سیهلک المرتابون فی جعفر... و انتجبت بعده موسی... ان المکذّب بالثامن مکذّب بجمیع اولیائی... حق القول منّی لاقرن عینه بمحمد ابنه وخلیفته من بعده... واختم بالسعاده لابنه علیّ ولیه و ناصری... و اخرج منه الداعی الی سبیلی والخازن لعلمی الحسن ثم اکمل ذلک بابنه رحمه للعالمین، علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب [۹] .جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدا را گواه می گیرم که در زمان رسول خدا (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) برای تهنیت ولادت امام حسین (علیه السّلام) بر مادرتان حضرت فاطمه (علیهاالسّلام) وارد شدم و در دست ایشان لوح سبز رنگی دیدم که پنداشتم از زمرّد است. در آن نوشته ای سپید و نورانی، مانند نور خورشید، دیدم. گفتم : ای دختر رسول خدا! پدر و مادرم فدای شما باد! این لوح چیست؟ فرمود : این لوح را خداوند متعال به رسولش هدیه کرده است؛ و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و اوصیای از فرزندانم ثبت شده؛ و پدرم آن را به من عطا فرموده، تا بدان مسرور گردم. جابر می گوید : آن را به من دادند و آن را خواندم و از روی آن استنساخ نمودم...: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ این کتابی است از جانب خدای عزیز حکیم برای محمد، نور و سفیر و حجاب او... من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آنکه وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او وصی قرار دادم؛ و من تو را بر انبیا فضیلت دادم و وصی تو را افضل اوصیا قرار دادم و تو را به دو فرزند او و دو نوه ی تو، حسن و حسین، گرامی داشتم؛ حسن را پس از پدرش معدن علمم قرار دادم و حسین را خازن وحی خود ساختم و شهادت را به او کرامت کردم... به واسطه عترت او ثواب می دهم و عقاب می کنم. اولین عترت او، علی سرور عابدین و... و فرزند او که همنام جدش محمود است؛ یعنی محمد، که شکافنده ی علم من است... شک کنندگان در جعفر هلاک خواهند شد... بعد از او فرزندش موسی را برگزیدم... همانا تکذیب کننده امام هشتم، تکذیب کننده همه ی اولیاء من است... بر من فرض است که چشم او را به پسر و جانشینش محمد روشن سازم... و سعادت او را به واسطه فرزندش علی، که ولیّ و ناصر من است، ختم می کنم... از صلب او حسن را که داعی به راه من و خازن علم من است، بیرون می آورم؛ سپس به خاطر رحمت خود بر عالمیان، سلسله ی اوصیاء را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی، بهای عیسی و صبر ایوب را دارا می باشد.»

یاد مهدی تسلای زهرا

الف : پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در بستر مرگ بودند که حضرت زهرا (علیهاالسّلام) وارد شدند. حال پدر را که دیدند، شروع به گریه کردند. کم کم صدای زهرا (علیهاالسّلام) بلند شد. پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) سرشان را بلند کردند و علت را سؤال نمودند. حضرت زهرا (علیهاالسّلام) عرض کردند : از تباهی و ضایع شدن دین و عترت، بعد از شما می ترسم. اینجا بود که او را دلداری دادند به اینکه مهدی امت از نسل تو ظهور می کند و ریشه ضلالت و گمراهی را می کند.روایات بی شماری درباره ی این موضوع وارد آمده است [۱۰] که به عنوان نمونه به یکی از آنها به نقل از عامه اشاره می کنیم:علی بن هلال عن ابیه، قال: دخلت علی رسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) وهو فی الحاله التی قبض فیها، فاذاً فاطمه عند راسه؛ فبکت حتی ارتفع صوتها؛ فرفع رسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) الیها راسه وقال: حبیبتی فاطمه ما الذی یبکیک ؟ فقالت : اخشی الضیعه من بعدک. فقال : یا حبیبتی! اما علمت ان الله عزوجل اطلع علی اهل الارض اطلاعه فاختار منها اباک فبعثه برسالته، ثم اطلع اطلا عه فاختار منها بعلک واوحی الیّ ان انکحک ایاه. یا فاطمه ! ونحن اهل بیت قد اعطانا الله عزوجل سبع خصال لم یعط احداً قبلنا و لایعطی احدا بعدنا : انا خاتم النبیین واکرم النبیین علی الله عزوجل و احب المخلوقین الی الله عزوجل وانا ابوک ؛ ووصیی خیر الاوصیاء واحبهم الی الله

عزوجل، هو بعلک؛ و شهیدنا خیر الشهداء واحبهم الی الله عزوجل، و هو حمزه بن عبدالمطلب عم ابیک وعم بعلک؛ ومنّا من له جناحان یطیر فی الجنه مع الملائکه حیث یشاء، وهو ابن عم ابیک و اخو بعلک؛ وسبطا هذه الامه، وهما ابناک الحسن و الحسین و هما سیدا شباب اهل الجنه وابوهما (والذی بعثنی بالحق) خیر منهما. یا فاطمه ! والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامه. اذا صارت الدنیا هرجا ومرجا وتظاهرت الفتن وانقطعت السبل واغار بعضهم علی بعض، فلاکبیر یرحم صغیرا و لاصغیر یوقر کبیراً؛ فیبعث الله عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلاله وقلوبا غلفا [۱۱] .راوی می گوید: پیامبر (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) در بستر مرگ بود. فاطمه (علیهاالسّلام) در کنار سر او مشغول گریه شد؛ ناگاه صدای ناله اش بلند شد. پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) سر خود را بلند کرد و فرمود: عزیزم فاطمه! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: پس از شما، از ضایع شدن و مورد ستم قرار گرفتن می ترسم. فرمود: محبوبهِ من! آیا نمی دانی که خداوند عزوجل نظری بر اهل زمین کرد، و مرا از میان آنها انتخاب نموده و مبعوث کرد؛ در مرتبه دوم که نظر کرد، از بین آنها شوهر تو را انتخاب کرد و به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم. ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت به ما داده، که به احدی قبل از ما و بعد از ما نداده : من خاتم پیامبران و کریمترین پیامبران و محبوبترین خلق نزد خداوند هستم، و من پدر تو هستم؛ و وصی من بهترین اوصیا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و او شوهر توست؛ و شهید ما بهترین شهدا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و آن حمزه عموی پدر و شوهر تو می باشد؛ و از ما کسی هست که صاحب دو بال است در بهشت که همراه ملائکه پرواز می کند، و او پسر عموی پدر و برادر شوهر تو می باشد؛ و از ما خاندان است دو سبط، این امت که آنها دو فرزند تو، حسن و حسین (علیهماالسلام) هستند، که سرور جوانان بهشتند، و پدر آنها بهتر از آن دو می باشد. ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به رسالت مبعوث نمود، از آن دو، مهدی (علیه السّلام) این امت می باشد. آن گاه که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد و آشوب ها آشکار گردد؛ راه ها بسته شده و برخی، بعضی دیگر را به تاراج برند؛ نه بزرگی بر کوچکی رحم نماید و نه کوچکی احترام بزرگتر را رعایت کند؛ در آن هنگام خداوند متعال کسی را بر می انگیزد که دژها و قلعه های گمراهی و دلهای بسته شده را فتح می کند...ب: همزمان با تولد امام حسین (علیه السّلام) به حضرت زهرا (علیهاالسلام) خبر داده می شود که حسینش را شهید خواهند کرد. حضرت زهرا (علیهاالسّلام) ناراحت و گریان میشود امّا خبر میآید که مهدی امت از ذریّه او خواهد بود.در این رابطه، روایاتی است [۱۲] که دو نمونه از آنها ذکر می شود:عن ابی عبدالله (علیه السّلام)قال: دخلت فاطمه (علیهاالسّلام)علی رسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) و عیناه تدمع؛ فسالته : مالک؟ فقال: انّ جبرئیل (علیه السّلام) اخبرنی اَنّ اُمتی تقت ل حُسینا؛ فَجَزَعَت وشقّ علیها؛ فاخبرها بمن یملک من ولدها؛ فطابت نفسُها وسکنت. [۱۳] .امام صادق (علیه السّلام) فرمود: فاطمه (علیهاالسّلام) وارد بر پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) شدند؛ دیدند اشک از چشمان پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) جاری است. سؤال کردند: علت گریه چیست؟ فرمودند: جبرئیل (علیه السّلام) به من خبر داد که امت من حسین را می کشند. حضرت زهرا (علیهاالسّلام) هم شروع به گریه و ناله کرده و این سخن بر او سخت آمد تا اینکه پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) به او خبر دادند که یکی از فرزندان او سلطه پیدا می کند؛ پس او خوشحال و ساکت شد.در روایت دیگری ، امام صادق (علیه السّلام) می فرماید: ان جبرئیل (علیه السّلام) نزل علی محمد (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فقال یا محمد! ان الله یقرِو علیک السلام و یبشرک بمولودی ولد من فاطمه (علیهاالسّلام) تقتله امتک من بعدک.... و یبشرک انه جاعل فی ذریته الامامه والولایه والوصیه ، ثم ارسل الی فاطمه (علیهاالسّلام): ان الله یبشرنی بمولود یولد منک تقتله امتی من بعدی ...: ان الله جاعل فی ذریته الامامه والولایه والوصیه ؛ [۱۴] .جبرئیل بر پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام به تو می رساند و بشارت می دهد تو را به فرزندی که از فاطمه (علیه السّلام) متولد می شود؛ اما امت تو، بعد از تو، او را می کشند.... و به تو بشارت می دهد که در فرزندان او امامت، ولایت ووصایت را قرار می دهم. سپس کسی را فرستادند نزد حضرت فاطمه (علیهاالسّلام) که: خداوند مرا بشارت داده به فرزندی که از تو متولد می شود، ولی امت من بعد از من او را می کشند؛ ...: و خداوند در فرزندان او

امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهد؛ ...

فاطمه الگوی مهدی

حضـرت مهدی (علیه السّلام) فرمود:... فی ابنه رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) لی اسوه حسنه... [۱۵] .الگو سازی و شناساندن الگوی مناسب از جمله روشـهای اسـلام برای ارائه برنامه زندگی و ارشاد به کمالات و مقامات معنوی است،خداوند در قرآن در دو مورد الگو معرفی می کند: یکی در سوره احزاب، آیه ۲۱ «لقد کان لکم فی رسول اللّه اسوه حسنه» و دیگری در سوره ممتحنه، آیه تا ۶ «قد کانت لکم اسوهٌ حسـنه فی ابراهیم والذین معه... لقد کان فیهم اسوهٌ حسنهٌ...». در آیات بالا حضرت ابراهیم و رسول اکرم و کسانی که با ایشان هسـتند به عنوان الگو شناسانده شده اند.پس الگو منحصر به شخص پیامبر و ابراهیم (علیهما السلام) نیست؛ بلکه هر کس – به تمام معنا – در راه اینان باشد می تواند الگو واقع شود.پس اینکه امام زمان (علیه السّلام) حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را الگوی خود قرار می دهد؛ [۱۶] از آن روست که حضـرت زهرا (علیهاالسّلام) جزو «والذین مَعَه» [۱۷] است ، و اوکسی است که از هر جهـت حتـی در راه رفتن و سـخن گفتن و در سیرت و صـورت شـبیه پیـامبر (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم) است. دلیـل این مطلب روایات متعددی است که عامه و خاصه نقل کرده اند؛ که در ذیل به عنوان نمونه، دو روایت ذکر می شود:الف: عن عایشه: ما رایت احداً اشـبه سمتا و دلاّ وهدیا وحدیثا برسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فی قیامه وقعوده من فاطمه (علیهاالسّلام). [۱۸] .شبیه تر از فاطمه به پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در راه رفتن، آرامش، وقار، سیرت، سخن گفتن، ایستادن و نشستن ندیدم.ب: روایاتی که پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم)؛ به حضرت زهرا (علیهاالسّلام) فرمود؛ از جمله: ان الله یغضب لغضبک ویرضی لرضاک؛ من آذاها فقدآذانی و یریبنی مارابها ویؤذینی ما آذاها. [۱۹] .او آئینه تمام نمای پیامبر (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) است و درجه ی ایمان او به نهایت کمال رسـیده است.پیامبر (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم) به سـلمان فرمودند:یا سلمان ! ابنتی فاطمه ملا الله قلبها وجوارحها ایماناً الی م شاشـها، تفرغت لطاعه الله. [۲۰] .ای سـلمان ! خداوند قلب و اعضای فاطمه، تا سـر نرمی اسـتخوانهای او، را پر از ایمان نموده؛ که برای عبادت خداوند خود را از همه چیز فارغ می سازد.

فاطمه و مهدی در سوره قدر

اشاره

عن ابی عبـدالله (علیه السّـلام) انه قال: انا انزلنا ه فی لیله القـدر. اللیله فاطمه والقدر الله؛ فمن عرف فاطمه حق معرفتها، فقد ادرک لیله القدر؛ و انما سمیت فاطمه، لان الخلق فطموا عن معرفتها [۲۱] .امام صادق (علیه السّلام) فرمودند: «لیله» در «انا انزلناه فی لیله القدر»، فاطمه (علیهاالسّلام) است؛ و قدر، خداوند. پس کسی که حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را آنگونه که سزاوار است بشناسد شب قدر را درک کرده اسـت؛ و همانـا او را فـاطمه نامیدنـد، چرا کـه مردم نمی تواننـد او را بشناسـند.در ادامه حـدیث چنین آمـده است اَو مِن معرفتهـا (الشک من ابی القاسم) یعنی راوی که روایت را نقل می کنـد، شک دارد که حضـرت فرمودنـد «عن معرفتها» یا فرمود «من معرفتهـا» وقوله «و مـا ادراک مـا لیله القـدر، لیله القـدر خیر من الف شـهر» یعنی خیر من الف مومن وهی ام المومنین «تنزل الملائکه والروح فیهـا» و الملائـکه ، المؤمنـون الـذین یملکـون علـم آل محمـد (صـلّی اللّهُ علیـه وآلـه وسـلّم) والروح القـدس هی فـاطمه (علیهاالسّـلام) «بـاذن ربهم من کـل امر، سـلام هی حتی مطلع الفجر» یعنی حتی یخرج القـائم (علیه السّـلام). [۲۲] .امـام صادق (علیه السّـلام) می فرمایـد: «لیله القـدر خیر من الف شـهر» یعنی او بهتر از هزار مؤ من است؛ او مادر مؤ منین است، «تنزل الملائکه (ملائکه نـازل می شونـد)» مراد از ملائـکه مؤمنان هسـتند، که علم آل محمـد (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم) را فرا می گیرنـد و مراد از «الروح

القدس»، فاطمه (علیهاالسّلام) است و «حتی مطلع الفجر» یعنی تا زمانی که قائم (علیه السّلام) ظهور کند.در کتاب تأویل الایات، شرف الدین نجفی روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند:«لیله القدر خیر من الف شهر» یعنی فاطمه، فی قوله تعالی «تنزل الملائکه و الروح فیها»، و الملائکه فی هذا الموضع، المؤمنون الذین یملکون علم آل محمد (علیهم السلام) و «الروح»، روح القدس و هی فاطمه (علیهاالسّلام) «من کل امر سلام» ، یقول کل امر سلّمه «حتی یطلع الفجر» یعنی حتی یقوم القائم (علیه السّلام). [۲۳] .«لیله » فاطمه است و «ملائکه» مؤمنین هستند، که علم آل محمد (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) را فرا می گیرند و «روح»، روح قدس است، که فاطمه می باشد «من کل امر سلام» می گوید: هر امری که سالم قرار داده او را «حتی یطلع الفجر» یعنی تا قیام قائم (علیه السّلام).خلقت هستی طفیل هست او چرخ می چرخد به میل دست اولیله القدر است و مخفی قدر او شرح ها دارد علوم صدر او [۲۴] . جا دارد که توضیح مختصری پیرامون تشبیه حضرت زهرا (علیهاالسّلام) به لیله در این آیات شریفه بدهیم.این تشابه از وجوهی است.۱- مردم، منزلت، عظمت و جایگاه والای شب قدر را نشناخته اند، و قدر و منزلت حضرت زهرا (علیهاالسّلام) هم در نزد مردم ناشناخته مانده است علا وه بر اینکه قبر او را هم کسی نمی داند.۲- همان طور که در شب قدر تفریق بین امور می شود؛ همچنین به وسیله فاطمه (علیهاالسّلام) بین حق و باطل و مؤ من و کافر فاصله می افتد.۳- همان طور که شب قدر ظرف نزول آیات و سوَر است؛ حضرت زهرا (علیهاالسّلام) هم ظرف امامت و مصحف است.۴- شب قدر، معراج انبیا و اولیاست؛ همچنین ولایت حضرت زهرا (علیهاالسّلام) مرقات وصول انبیاست به نبوت، رسالت و عظمت «ما تکاملت النبوه لنبی حتی اقر بفضلها و محبتها»۵ - شب قدر، منشأ فیوضات و کمالات است؛ همچنین توسل به حضرت زهرا (علیهاالسّلام) وسیله خیرات و برکات و دفع بلیات است.۶- شب قدر بهتر است از هزار شب؛ و حضرت زهرا (علیهاالسّلام) بهترین زنان اولین و آخرین است؛ بلکه او بهترین اهل زمین است از جهت عنصر و شرف و کرم.هی مشکاه نور الله جل جلاله زیتونه عمّ الوری برکاتها [۲۵] .برای تأیید بعضی از وجوه فوق، روایت مفصل و زیبایی را مرحوم کلینی نقل می کند؛ که به اختصار ذکر می کنیم:مرد نصرانی طالب حقیقت، خدمت امام موسی بن جعفر (علیه السّلام) رسید و مطالبی را سؤال نمود. یکی از آن مطالب این بود که: اخبرنی عن کتاب الذی انزل علی محمد (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) و نطق به، ثم وصفه بما وصفه به. فقال: «حم، والکتاب المبین، انا انزلناه فی لیله مبارکه انا کنا منذرین، فیها یفرق کل امر حکیم» [۲۶] ما تفسیرها فی الباطن؟فقال : اما «حم» فهو محمد، صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم، و هو فی کتاب هود الذی انزل علیه، و هو منقوص الحروف؛ و اما «الکتاب المبین» فهو امیرالمؤ منین علی (علیه السّلام)؛ و اما «اللیله» ففاطمه (علیهاالسّلام) «فیها یفرق کل امر حکیم» یقول یخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم فرجل حکیم فرجل حکیم... [۲۷] .به حضرت عرض کرد: به من خبر بده از کتابی که بر محمد (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرود آمده و به آن گویا گشته و آن را به صفاتی موصوف نمود و در حقش گفته است «حم؛ سوگند به کتاب روشن و آشکار؛ به درستی که ما آن را در شب مبارکی فرود فرستادیم ، به درستی که ما بیم دهنده ایم؛ در آن شب جدا شود هر امر محکمی» تفسیر آن در باطن و حقیقت چیست؟حضرت فرمودند: اما «حم» همان محمد (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) است که در کتاب هود پیامبر با حروف ناقصه آمده است (میم اول و دال آخرش حذف شده)؛ و اما «کتاب مبین» همان امیرالمؤ منین علی (علیه السّلام) است؛ و اما مقصود از«لیله» و شب همانا فاطمه (علیهاالسّلام) می باشد؛ و اما اینکه فرموده «در آن جدا می شود هر امر محکمی» یعنی بر آید از فاطمه (علیهاالسّلام) خیر بسیار و فراوان، مردی حکیم، سپس مردی حکیم، سپس مردی حکیم [۲۸] .شباهتهای حضرت زهرا (علیهاالسّلام) و حضرت مهدی (علیه السّلام)بین این دو بزرگوار شباهتهایی در اسمها و صفات وجود دارد؛ که در ذیل به بیست و پنج مورد از آن اشاره می شود.

حضرت زهرا بقیه النبوه و حضرت مهدی بقیه الانبیاء و بقیه العتره والصفوه و سلاله النبوه و بقیه الله است

الف: حضرت زهرا باقیمانده و ادامه ی نبوت است.حضرت زهرا (علیهاالسلام) پس از خواندن خطبه ی فدکیه و بازگشت به خانه،

سخنانی گفتند. حضرت علی (علیه السّلام) ایشان را، با این لقب مورد خطاب قرار دادند: یا ابنه الصفوه وبقیه النبوه. [۲۹] .ب: حضرت مهدی (عج) باقیمانده و ادامه همه انبیای الهی حضرت حکیمه خاتون در ضمن نقل حدیث شب تولد امام زمان (علیه السّلام) می گوید: او را خدمت امام عسکری (علیه السّلام) آوردم؛ پس...فرمود: «سخن بگو ای حجه الله و بقیه الا نبیاء و نورالا صفیاء و غوث الفقراء و خاتم الا وصیاء و نور الا تقیاء...؛ پس او (عج) فرمود: اشهد ان لا اله الاالله و...» [۳۰] .پس می بینیم که امام عسکری (علیه السّلام) او را با لقب «بقیه الانبیاء» باقیمانده انبیاء خطاب کرد.ج: حضرت مهدی (عج) باقیمانده برگزیدگان و عترت پیامبر است.در استغاثه به حضرت مهدی (عج)، بعد از خواندن دو رکعت نماز می گوییم: سلام الله الکامل التام الشامل العام... علی... سلاله النبوه و بقیه العتره والصفوه صاحب الزمان. [۳۱] .پس درود خدا را بر کسی که باقیمانده عترت و صفوت است، می فرستیم.د : حضرت مهدی (عج) سلاله النبوه است .ملاحظه کردید که در دعای پیشین، بعد از استغاثه به حضرت مهدی (عج)، درود خدا را بر کسی که سلاله نبوت است، می فرستیم.ه-: حضرت مهدی (عج) بقیه الله است .روایات زیادی داریم که امام زمان (علیه السّلام) بقیه الله است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:۱. عمران بن داهر می گوید: مردی به امام صادق (علیه السّلام) عرض کرد: لنسلّم علی القائم بامره المؤ منین؟ قال: لا، ذلک اسم سماه الله امیرالمؤ منین، لایسمّی به احد قبله و لابعده الا کافر. قال: فکیف نسلّم علیه؟ قال: تقول السلام علیک یا بقیه الله. ثم قرا (علیه السّلام) «بقیه الله خیرلکم ان کنتم مؤ منین». [۳۲] و [۳۳] .سؤال شد: آیا می توانیم به حضرت قائم (عج) به عنوان امیرالمؤ منین درود بفرستیم و بگوییم «السلام علیک یا امیرالمؤ منین»حضرت فرمود: خیر، آن اسم خاص امیرمؤمنان علی (علیه السّلام) است؛ که خداوند او را به این نام نامیده است. هرگز کسی را جز او نتوان به این نام نامید. هر کس به این نام نامیده شود؛ چه قبل از امیرالمؤ منین علی (علیه السّلام) باشد، چه بعدش، کافر است.عرض نمود: پس چگونه بر او (عج) سلام کنیم؟ فرمود: بگو «السلام علیک یا بقیه الله»، سلام بر تو ای باقیمانده خدا. سپس امام صادق (علیه السّلام) آیه ۸۶ سوره هود را تلاوت فرمود که: «باقیمانده الهی بهتر است برای شما، اگر مؤ من باشید.»۲. احمد بن اسحاق، که از شخصیتهای معروف قم و وکیل امام عسکری (علیه السّلام) بوده، می گوید: خدمت امام عسکری (علیه السّلام) رفتم؛ تا از جانشین او و امام بعد از او سؤال کنم. قبل از آنکه من سؤال کنم، امام (علیه السّلام) فرمود:ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی از روزی که آدم را آفرید، تا روزی که قیامت به پا شود، زمین را خالی از حجت نگذاشته و نمی گذارد؛ بلکه همواره حجت خدا در روی زمین خواهد بود؛ که خداوند به وسیله او بلاها را از زمینیان دفع می کند و به برکت او باران می فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می نماید.گفتم : پس امام بعد از شما کیست؟ (امام بدون اینکه جوابی بدهد) با شتاب از جای برخاسته و داخل اطاقی شدند؛ در هنگام بیرون آمدن کودکی را بر دوش خود آورد، که صورتش چون ماه شب چهارده بود و تقریباً سه ساله بود؛ آنگاه خطاب به من فرمود: اگر منزلت تو در پیش حضرت احدیت و حجتهای پروردگار نبود، پسرم را به تو نشان نمی دادم.عرضه داشتم: آیا علامتی هست که من بیشتر مطمئن شوم و دلم آرامش پذیرد؟ پس ناگهان حجت خدا با زبان فصیح و آشکار فرمود: انا بقیه الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه و لاتطلب اثرا بعد عینٍ یا احمدبن اسحاق... [۳۴] .(من تنها بازمانده خدا در زمین هستم؛ از دشمنان خدا انتقام می گیرم. و ای احمدبن اسحاق! پس از دیدن، دیگر نشانه نپرس.)۳. از امام صادق (علیه السّلام) نقل می کنند، که حضرت در ترسیم روز پر شکوه ظهور می فرماید: اول ما یَنطق به هذه الایه : «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤ منین» ثم یقول: انا بقیه الله و حجته و خلیفته علیکم؛ فلای سلّم علیه مسلمٌ، الا قال : السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه. [۳۵] .امام زمان (علیه السّلام) نخستین چیزی که به زبان می آورد، این آیه شریفه است «باقیمانده الهی برای شما بهتر است، اگر مؤ من هستید» سپس می فرماید : بقیه الله من هستم؛ من حجت الهی و خلیفه الهی بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی در روی زمین بر او سلام نمی کند، مگر به این عبارت که: سلام بر شما ای بقیه الله در زمین الهی.۴. امام هادی (علیه السّلام) در ضمن بیان اوصاف امام مهدی (عج) می فرماید:هوالذی یجمع الکلم ویُتِمُّ النِعَم وی حِق اللّه به الحق و یزهِق الباطل و هو مَهدیُّکم والمنتظَر ثم قرا «بقیه الله خیر لکم» و قال:

هو والله بقيه الله. [۳۶] .او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند و نعمتها را کامل می سازد. خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد. او مهدی منتظر شماست . آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «بقيه الله خيرلكم» سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه الله (تنها بازمانده از حجتهای الهی) اوست.

حضرت زهرا سیده النساء و حضرت مهدی سید الخلق است

الف) حضرت زهرا سرور زنان است.پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در موارد متعددی به دختر گرامی خود این لقب را داده انـد؛ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرمود: و امّا ابنَتی فاطمه فانها سیده نساء العالمین من الاولین والاخرین. [۳۷] .اما دخترم فاطمه، سرور زنان عالم از اولین و آخرین می باشد.ب) حضرت مهدی (عج) سیدالخلق است .این لقب را حضرت رضا (علیه السّلام) به فرزند گرامیش حضرت مهدی (علیه السّلام) داده اند.عن الحسن بن شاذان الواسطی قال: کتبت الی ابی الحسن الرضا (علیه السّلام): اشکو جفأ اهل واسط و حملهم علیّ، و کانت عصابه من العثمانیه توذینی؛ فوقع بخطه : ان الله تبارک و تعالی اخذ میثاق اولیائنا علی الصبر فی دوله الباطل؛ فاصبر لحکم ربّک. فلو قد قام سیدالخلق لقالوا: «یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعدالرحمن و صدق المرسلون.» [۳۸] و [۳۹] .حسن بن شاذان می گوید: نامه ای نوشتم خدمت امام رضا (علیه السّلام) و از جفا و یورش و اذیّت اهل واسط، که جمعی از عثمانیان بودند، بر خود شکایت کردم. حضرت به خط مبارک جواب فرمودند : خداوند از دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کننـد؛ تو هم صبر کن (نگران نباش). وقتی که سید الخلق قیام کند، دشمنان می خوانند : «وای بر ما! چه کسی ما را از قبورمان مبعوث کرده؟ این همان است که خداوند وعده داده بود؛ و فرستادگان الهی راست می گفتند.»مرحوم علامه مجلسی می گوید: مراد از سیدالخلق، قائم (علیه السّلام) است. پس دشمنان اهل بیت (علیهم لسّلام) در آن زمان رجعت می کنند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند. پس دشمنان می گویند: «یا ویلنا...» [۴۰] .

حضرت زهرا طاهره و حضرت مهدی طاهر است

الف) حضرت زهرا (علیهاالسّلام) طاهره است .این مطلب هم از آیه تطهیر استفاده می شود و هم می بینیم پیامبر آن حضرت را به این لقب نامیدنـد.اسماء بنت عمیس می گویـد: قال النبی (صلّی اللّهُ علیه وآله سلّم): اما عَلِمت انّ ابنتی طاهره مطهره... [۴۱] .پس پیامبر (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) فرمودنـد: آیا نمی دانی که دخترم پاک و پاکیزه است؛آیه تطهیر هم دلیل دیگری بر پاک بودن حضرت از رجس و پلیدیها است. «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهّرَکم تطهیرا. [۴۲] .خداونـد اراده کرده که ناپاکی را از شما اهل بیت دور کنـد و شما را پاک قرار بدهـد.»این آیه به اجماع خاصه و عامه در شأن پنج تن آل عبا ست. [۴۳] .ب: حضرت مهدی (عج) طاهر است.این لقب را پیامبر اکرم (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) به امام زمان (علیه السّلام) داده انـد؛ در ضمن حدیثی که فرمود: ان الله عزوجل رَکَّبَ فی ص لبِ الحسن (ای العسکری) (علیه السّلام) ن طفَه مبارکه زکیه طیبه طاهرهً مطهره ؛ یرضی بها کل مؤ من اخذ الله میثاقه بالولایه ویکف ر بها کل جاحدٍ؛ فهو امامٌ تقیٌ نقی هادٍ مهدی... [۴۴] .خداوند در صلب امام حسن (عسکری) (علیه السّلام) نطفه ای مبارک، پاک و پاکیزه تعبیه نمود؛ که هر مؤ منی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته، از او خشنود می شود و هر منکری به او کفر می ورزد. او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است.در روایت دیگری امام صادق (علیه السّلام) فرمودنـد : اذا کـان ذلک فکونوا اجلاسَ بیوتکم حتی یظهر الطاهر بن المطهر ذوالغیبه... [۴۵] .وقتی آخر الزمان شد و فتنه ها به وجود آمد، شما گلیم خانه ی خود باشید؛ تا خداوند امام پاکیزه و پسر پاکیزه را ظاهر کند.و در دعایی که دستور داده اند در زمان غیبت بخوانیم، دارد...: و زد فی کرامتک لـه فـانه الهـادی... الطـاهر التقی النقی الزکی الرضـی المرضـی الصـابر المجتهد الشکور... [۴۶] .عرض می کنیم: خدایا! بر لطف و کرامت نسبت به او بیفزا؛ که اوست هادی... پاک، با تقوا پاکیزه، منزه، صاحب

مقام رضا و خشنودی خدا، صبر کننده، سپاسگزار و...

حضرت زهرا مبارکه و حضرت مهدی مبارک است

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) مبارکه است .مبارک از برکت گرفته شده؛ به معنای رشد و زیاده. مبارک یعنی آنچه که از او خیر زیاد بیاید. [۴۷] .به حضرت زهرا (علیها السلام) از این جهت مبارک می گویند که او کوثر، «انا اعطیناک الکوثر» است؛ همان طور که فخر رازی در تفسیر خود گفته: مراد صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام) است. [۴۸] و صاحب مجمع البیان می گوید: کوثر، زیادی نسل و فرزند است؛ که از فاطمه زهرا (علیهاالسّلام) و اولاد وی، نسل رسول اکرم (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) آنچنان فراوان شد، که نتوان شماره کرد.مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: مراد از کوثری که خداوند به پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله سلّم) عطا فرمود، فقط کثرت ذریه پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) می باشد، یا مراد، خیر کثیر است، و کثرت ذریه، مراد می باشد، در ضمن خیر کثیر؛ و اگر غیر از این، معنا کنیم، محقق کردن و محکم کردن کلا م به واسطه آیه «ان شانئک هوالابتر» خالی از فایده می شود. [۴۹] و [۵۰] .ب) حضرت مهدی (عج) مبارک است.در ضمن لقبهایی که پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله سلّم) برای آن حضرت شمردند، همین لقب مبارک است. [۵۱] .وقتی پیامبر (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) در بیاناتی آخر الزمان را ترسیم می کنند، می فرماید: ولایزال ذلک البلاد علی اهل ذلک الزمان، حتی اذا یئسوا و قنطوا واساؤُ والظّن اَلاّ یفرِّ جَ عنهم ؛ اذ بعث الله رجلا من اطایِب عترتی و ابرارِ ذرّیّتی عَدلاً مبارکاً زکیّا. [۵۲] .این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود؛ تا هنگامی که مأیوس و نا امید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری نخواهد فرمود؛ آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاکترین عترت من بر می انگیزد؛ که سرا پا عدل و برکت و پاکی است.

حضرت زهرا زکیه و حضرت مهدی زکی است

« زکوه» به معنای نمو و زیادتی [۵۳] یا به معنای پاکیزه از خباثت نفس، کینه، بخل، حسد و هرگونه پلیدی و کثافت ظاهری و باطنی است. [۵۴] .الف) حضرت زهرا (س) زکیه است.در ذیل کلمه «مبارکه» از آن سخن گفتیم .ب) حضرت مهدی زکی است.از جمله القابی که پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله سلّم) به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند، زکی است؛ که روایات آن را در ذیل شباهتهای ۳ و ۴ ذکر نمودیم.همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السّلام) در ضمن نامه ای به معاویه این لقب را به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند... و اِنّ رج لا مِن و لدِک، مَشومٌ ملعونٌ... و یَعرَب منهم رجلٌ من ولدی زکی نقی الذی یملا الارض قسطا و عدلاً. [۵۵] .مردی از نسل تو که شوم و ملعون است... سپاهی به سوی مدینه می فرستد... و مردی پاک و پاکیزه از نسل من، از میان آنها می گریزد و زمین را پر از عدل و داد می نماید.

حضرت زهرا طیبه و حضرت مهدی طیب است

الف) حضرت زهرا (س) طیبه است.مرحوم سیدبن طاووس بعد از نقل روایت فضیلت اهدای نماز به معصومین (علیهم ا لسّلام) می فرماید: بعد از نماز هدیه به هر یک از معصومین این دعا را بخواند...، دعایی که بعد از خواندن نماز هدیه به حضرت زهرا (علیهاالسّلام) می فرماید، این است که بگوید: اللهم اِن هاتَینِ الرکعتین هدیه منی الی الطاهره المطهره الطیبه الزکیه فاطمه اللهم... و اَثِبنی علیهما افضل املی و رجایی فیک و فی نبیک (صلوات اللّه علیه وآله) و وصی نبیک و الطیبه الطاهره فاطمه... [۵۶] .ب: حضرت مهدی (عج) طیب است.روایات آن در ذیل شباهتهای سوم وچهارم آمده است.

حضرت زهرا مطهره و حضرت مهدی مطهر است

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباهت سوّم آمده است.

حضرت زهرا تقیه و حضرت مهدی تقی است

الف) حضـرت زهرا (س) تقیه است .حضـرت زهرا (علیهاالسّـلام) در اوج قله تقوا می باشد. در زیارت حضـرتش می خوانیم:السلام علیـک ایتها التقیّه النقیّه [۵۷] سـلام بر تو ای ذات متقی پـاک .یـا می خوانیم : اللهم صـل علی محمـد و اهـل بیته وصـلّ علی البتول الطـاهره الصـدیقه المعصـومه التقیه النقیه الرضـیه المرضـیه الزکیه الرشـیده المظلومه المقهوره. [۵۸] .ب) حضـرت مهـدی (عج) تقی است.در ذیل شباهت سوّم، روایتی که دلالت بر این مطلب می کند، ذکر شد.

حضرت زهرا نقیه و حضرت مهدی نقی است

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباهتهای ۳ و ۵ و ۸ ذکر شده.

حضرت زهرا محدثه و حضرت مهدی محدث است

الف) حضـرت زهرا (س) محدثه است.بیش از ده روایت داریم که دلا لت دارند ملائکه بر حضرت زهرا (علیهاالسّلام) فرود آمده و بـا ایشـان سـخن می گفتنـد؛ از این روی به او محـدَّثه گفتنـد.در اینجـا به بعضـی از آن روایـات اشـاره می کنیم:از امام صادق (علیه السّـلام) پیرامون مصـحف فاطمه (علیهاالسّـلام) سؤال کردنـد. امام پس از سـکوتی طولانی فرمود:اِنک ملَتَبحَثونَ عمّا تریـدون و عما لاتریدون. ان فاطمه مکثت بعد رسول الله (صـلّی اللّهُ علیه وآله سـلّم) خمسه و سبعین یوماً و کان دخلها حزن شدید علی ابیها؛ و کان جبرئیل یأتیها فَیُحسِنُ عزاها علی ابیها و یطیب نفسـها و یخبرها عن ابیه و مکانه و یخبرها بما یکون بعـدها، و کان علیّ (علیه السّـلام) یکتب ذلک؛ فهذا مصـحف فاطمه. [۵۹] .شـما از هر چیزی سؤال می کنیـد. زهرا (علیها السـلام) بعـد از پیامبر (صـلّی اللّهُ علیه وآله سلّم) هفتادوپنج روز بیشتر زنده نبود؛ و به سـبب فقدان پدر، بسـیار محزون بود؛ از این رو همیشه جبرئیل به نزد او می آمد و علا وه بر اینکه او را تسـلیت می گفت و تسلای او بود، او را از جایگاه او و اخبار آینده آگاه می کرد و حضرت علی (علیه السلام) همآنها را می نوشت. این نوشـته ها، مصحف فاطمه (علیهاالسلام) است. [۶۰] .امام صادق (علیه السّلام) همچنین فرمودند: انما سمیت فاطمه محدثه لان الملائکه کانت تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران؛ فتقول الملائکه یا فاطمه! ان الله اصطفاک و طهّرِک علی نساء العالمین. [۶۱] .همانا فاطمه را محدثه نامیدند، چون که همیشه ملا ئکه از آسـمان بر او هبوط می کردند؛ پس همان گونه که حضـرت مریم (علیها السـلام) را مورد نـدا قرار دادند، او را هم مورد خطاب قرار دادند و گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را بر تمام زنان عالم برگزید و تورا پاکیزه قرار داد.ب: حضرت مهدی (عج) محدث است.در این زمینه دو دسـته روایات داریم. یک دسـته از آنها به طور عموم دلالت می کند که کل ائمه (علیهم السّلام) محدث هستند و دسته دیگر روایاتی است که دلالت می کند حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) محدث است.روایات عام:- قال رسول الله (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم): مِن و لدی اِثنا عَشَرَ نَقیبـاً، ن جَبـاء م حَـدَّثونَ مُفَهَّمُونَ آخر ه م القائم بالحق [۶۲] .پیامبر (صـلّی اللّهُ علیه وآله وسـلّم) فرمودنـد: دوازده نقیب ازاولاد من هسـتند کـه همه شـان نجیب، محـدث، آمـوزش یـافته و صـاحب فهم هسـتند؛ که آخرین آنهـا قـائم به حق است.- قـال البـاقر (علیه السّـلام)مِنّا اثناعَشَرَم حدّثاً،السابع مِنو لدی القائمُ (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) [۶۳] دوازده محـدث از ماست؛ که هفتمین فرزند من همان قائم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است.- امام جواد (علیه السّـلام) از امیرمؤمنان علی (علیه السّـلام) نقل می کننـد، که

حضرتش به ابن عباس فرمود: انّ لیله القدر فی کل سنه و اِنّه یَنزِل فی تلک اللیله امر السنه و لذلک الامر ولاه بعد رسول اللّه (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم). فقال ابن عباس: مَن هم؟ قال اَنَا و احد عشر من صلبی ائمّه محدثون. [۶۴] .حضرت علی (علیه السلام) به ابن عباس فرمودند: شب قدر در هر سال هست (منحصر به زمان حیات پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) نبوده) و در آن شب امور سال نازل می شود؛ و برای این برنامه، والیانی بعد از رسول اللّه (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ حضرت علی (علیه السّلام) فرمودند : من و یازده فرزند من، که همه پیشوا و محدث هستند.- در روایتی امام صادق (علیه السّلام) تفسیر آیه «تنزل الملائکه والروح فیها...» [۶۵] را این گونه بیان می فرمایند: اَی من عند ربهم علی محمدٍ وال محمد بکل امر سلام. [۶۶] .یعنی ملائکه و روح از جانب خداوند بر محمد و آل محمد (علیهم السّلام) نازل می شوند.- از امام باقر (علیه السّلام) سؤال شد : آیا شما شب قدر را می شناسید؟ فقال و کیف لانعرف و الملائکه یطوفون بنا فیها. [۶۷] چگونه شب قدر را نشناسیم؛ در حالی که ملائکه در آن شب در اطراف ما طواف می کنند.ملائکه و اعظم ملائکه که روح است، در اطراف آنها چرخ می زنند و بر آنها نازل می شوند و با آنها سخن می گویند.روایات خاص:- امام رضا (علیه السّلام) ضمن بر شمردن صفات امام زمان (علیه السّلام) می فرماید:یکون اعلمَ الناس واحکم الناس واتقی الناس واحلم الناس واسخی الناس واعبدالناس... و یَری مَن خلفَه کما یری من بین یدیه و لایکون له ظلٌّ... وتنام عیناه و لاینام قلب ه و یکون محدّثاً. [۶۸] .او داناترین مردمان، حکیم ترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین مردم است؛ که پشت سر را می بیند، همان گونه که پیش رو را می بیند؛ سایه ندارد؛ دیدگانش در خواب فرو می رود، ولی دلش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن می گویند.- یا امام جواد (علیه السّلام) در ضمن بیان سیر آن حضرت می فرماید:ثم یدخل الکوفه فیقتل مقاتلیها، حتی یرضی الله عزوجل... ثم قلت: و ما یدریه، جعلت فداک منی یرضی الله عزوجل؟ قال: یا ابا الجارود! ان الله اوحی الی ام موسی و هو خیر من ام موسی و اوحی الله الی النحل و هو خیر من النحل. [۶۹] .او وارد کوفه می شود و جنگ کنندگان را می کشد، تا خداوند راضی شود...، عرض کردم: چگونه متوجه می شود که خداوند راضی شده؟ حضرت فرمود: خداوند به مادر موسی [۷۰] وحی کرد؛ و البته مهدی (علیه السّلام) بهتر از مادر موسی است و خداوند به زنبور عسل وحی کرد [۷۱] و البته او بهتر از زنبور عسل است.حضرت با استشهاد به دو آیه از قرآن می خواهند بفرمایند که خداوند به او وحی می کند. البته همان طوری که در آن دو آیه، مراد از وحی، وحی مصطلح (نزول جبرئیل، همراه با ادعای نبوت) نیست؛ مراد از وحی به حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) هم وحی مصطلح نیست.

حضرت زهرا و حضرت بقیه اللّه هر دو کوکب دری هستند

الف) حضرت زهرا (س) ستاره درخشان است.ابی هاشم عسکری از امام عسکری (علیه السّلام) سؤال می کند: لم سمیت فاطمه الزهراء؟ فقال: کان وجهها یزهرلامیرالمؤ منین (علیه السّلام) من اول النهار کالشمس الضاحیه و عندالزوال کالقمر المنیر و عند غروب الشمس کالکوکب الدری. [۷۲] .حضرت در جواب این سؤال که چرا حضرت فاطمه (علیهاالسّلام) را زهرا نامیدند، فرمودند: صورت او برای امیرمؤمنان (علیه السّلام) نور افشانی می کرد؛ در اول روز، مثل خورشید تابان، و هنگام ظهر، مثل ماه منیر و در وقت غروب خورشید، مثل کوکب دری و ستاره درخشان .حضرت زهرا (علیهاالسّلام) در حدیث مفاخره - حدیثی که در آن حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) هر کدام فضائل خود را بر می شمرند - خود را به عنوان کوکب درّی معرفی می کنند.قال علی (علیه السلام):انا الامین الاصلع. قالت فاطمه: انا الکوکب الذی یلمع... [۷۳] حضرت علی (علیه السلام) فرمود: من امین اصلع هستم. حضرت فاطمه (علیهاالسّلام) فرمودند: من ستاره ای هستم که می درخشد.امام صادق (علیه السّلام) می فرمایند: «کانّها کوکب دری» (در آیه ۳۵ سوره نور) کأن فاطمه (علیهاالسّلام) کوکب دری بین نساء اهل الارض (اهل الدنیا). [۷۴] .گویا فاطمه (علیهاالسّلام) همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین (اهل دنیا) است.ب) حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) ستاره

درخشان است.قال رسول الله (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم): المهدی رجلٌ مِن و لدی؛ وجهه کالکوکب الدری. [۷۵] .پیامبر (صلی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرمودند: مهدی مردی از فرزندان من است، که صورتش مثل ستاره درخشان است.پیامبر اکرم (صلی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در ضـمن بیان مشاهـدات خود در معراج می فرماید : خداوند انوار ائمه اثنی عشـر را به من نشان داد و فرمود: یا محمدا! ارفع راسـک فـاذا انـا بانوار علی و... و محمـد بن الحسن الحجه یتلالا من بینهم (یتلالا وجهه من بینهم) کانّه کوکب دری. فقلت : یارب! من هـذا؟ (من هؤلاء و مَن هـذا) قال: یا محمدا! هم الائمّه من بعدک؛ المطهّرون من صـلبک و هذا الحجه الذی یملا الارض قسـطا و عدلاً و یشـفی صدور قوم مؤ منین. [۷۶] .ای محمد (صـلی اللّهُعلیه وآله وسـلّم)! سرت را بالا بیاور. وقتی بالا را نگاه کردم، نور ائمه (علیهم السـلام) را دیـدم که نور محمدبن الحسن، بین آنها نورافشانی می کرد و صورتش می درخشـید، مثل سـتاره درخشانی. پس عرض کردم: خـدایا! اینها چه کسانی هسـتند و این نور چه کسـی است؟ خطاب شـد: اینها امامان بعد از تو، از صـلب تو هسـتند، که پاکند؛ و این شخص که می درخشد، حجتی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند ودلهای مؤ منین را شفا می دهد.

حضرت زهرا منصوره و امام زمان منصور است

الف) حضـرت زهرا (علیهاالسّـلام) یاری شده است.دروصف حضرت فاطمه (علیهاالسلام) آمده است: که اومیمونَه مَنصورَه محتَسَمَه جمیله جلیله معظمهٌ. [۷۷] .یکی از آیاتی که به حضرت زهرا (علیهاالسّلام) وحضرت مهدی (عج)، تأویل شده است آیه ۴ سوره روم است «...یومئذٍ یفرح المؤ منون؛ بنصـرالله ینصـر من یشاء و هو العزیز الرحیم» [۷۸] .امام صادق (علیه السّـلام) از قول پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) نقل می کنند، که حضـرت جبرئیل (علیه السّلام) سیب بهشتی را از طرف خداوند به رسم هدیه برای پیامبر آورد و عرض کرد: بخـور این سـیب را. سـیب را دو نیم کرد؛ نوری سـاطع شـد. سؤال فرمودنـد: این نور چیست ؟ جبرئیـل عرض کرد: فـان ذلـک النور، للمنصوره فی السـماء و فی الاـرض فاطمه. قلت : حبیبی جبرئیل! ولم سـمیت فی السـماء المنصوره و فی الارض فاطمه؟ (این نور منصوره در آسـمان و فاطمه در زمین است. به جبرئیل گفتم: حبیب من! چرا او را در آسمان منصوره می گویند و در زمین فاطمه؟ گفت:سـمیت فی الارض فاطمه، لانها فطمت و شیعتها من النار و فطم اعدائها من حبها. (او را در زمین فاطمه می گویند؛ چرا که او و شـیعیانش از آتش بازداشـته شـده اند و دشـمنان او از دوست داشـتن او باز داشـته شده اند.در ادامه عرض داشت: و هی فی السـماء المنصوره؛ و ذلـک قوله عزوجـل «و یومئـذ یفرح المؤ منون بنصـرالله» یعنی نصـر الله لمحبیهـا. [۷۹] او را در آسـمان منصـوره خواننـد؛ و این همان گفتار خداوند است که فرمود: «در چنین روزی مؤمنان به یاری خداوند - یاری خداوند به محبین آن حضـرت - خوشـحال می شوند. آن حضـرت؛ دوسـتداران او در آن روز و روز ظهور امام زمان (علیه السّلام) خوشحال می شوند؛ امام صادق (علیه السّـلام) در پاسخ سؤال ابی بصـیر از آن حضـرت پیرامون تفسیر «الم؛ غلبت الروم» فرمود: ه م بنو امیه: آنها بنو امیه هستند... «و یومئـذ یفرح المؤ منون بنصـرالله» عنـد قیـام القـائم. [۸۰] .مؤمنـان به یاری خداونـد هنگام قیام حضـرت مهـدی (عـج) خوشـحال می شونـد،گفتنی است، حتی مؤمنانی که از دنیا رفته انـد، به چنین قیامی خوشـحال می شوند؛امام صادق (علیه السّـلام) فرمودند: «یومئذ یفرح المؤ منون بنصـرالله» فی قبورهم ، بقیـام القائم (علیه السّـلام) [۸۱] .مؤمنـان، در حالی که در قبرهایشان هسـتند. به قیام حضـرت مهـدی (عـج) خوشـحال می شونـد.پس هر روزی که روز نجات مؤمنان و پیروزی آنها باشـد و یاری خداوند شامل آنها بشود، روز فرح و خوشحالی مؤمنان خواهد بود.ب) حضرت مهدی (عج) منصور است.خداوند حضرت مهدی (عج) را منصور نامیده اند «و من قتـل مظلوماً فقـد جعلنا لولیّه سـلطانا فلایسرف فی القتل انّه کان منصوراً» [۸۲] .در روایات آیه شـریفه به حضـرت امام حسـین (علیه السّـلام) و حضـرت مهدی (عج) تأویل شده است.امام باقر (علیه السّـلام) فرمودند: «من قتل مظلوماً»، الحسـین، کشـته شده ی مظلوم، حسـین (علیه السّـلام) است. انه کان منصوراً، سـمی الله المهـدی المنصور؛ کما سـمّی احمـد و محمـد و محمود و کما سـمّی عیسـی المسیح. [۸۳] .حضرت می فرماید: خداوند مهدی را منصور نامیده همان طور که (پیامبر را) احمد و محمد و محمود نامید و چنانچه

عیسی (علیه السلام) را مسیح نامید.و در زیارت عاشورا می خوانیم: فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم). [۸۴] از خداوند می خواهیم که به ما توفیق بدهد در کنار امام منصور (امام زمان«علیه السّلام») خون خواهی حسین (علیه السّلام) را بکنیم.همچنین امام باقر (علیه السّلام) می فرماید: القائم منا منصورٌ بالرّعب م وَیّدٌ بالنصر. [۸۵] قائم از ما، یاری شده است به وسیله ترس در دل دشمنان و تأیید شده به وسیله یاری او. و بالاخره در دعای ندبه می خوانیم: این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری. [۸۶] .کجاست آن کسی که یاری شده است بر علیه کسی که نسبت به او تعدی کرده و افترا بسته.

حضرت زهرا صدیقه و حضرت مهدی صادق المقال است

الف) حضرت زهرا راست گفتار است:پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) به حضرت علی (علیه السّلام) فرمودند: سفارشهایی به دخترم فاطمه کرده ام و به او دستور دادم آنها را به تو بگوید؛ آنها را نافذ بدان. فهی الصادقه الصدوقه . او بسیار راست گفتارست. سپس حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را به سینه چسباند و سر او را بوسید و فرمود: فداک ابوک یا فاطمه. پدرت به فدای تو ای فاطمه [۸۷] .مفضل می گوید: به امام صادق (علیه السّلام) عرض کردم: چه کسی فاطمه (علیها السلام) را غسل داد؟ فرمودند: حضرت علی (علیه السّلام)... سپس حضرت فرمودند: گویا از این خبرناراحت شدی! عرض کردم: بله قربانت شوم. حضرت فرمودند: دل گیر نشو: فانها صدیقه لم یکن یغسّلها الاصدیق. اما علمت ان مریم لم یغسّلها الا عیسی. [۸۸] .به درستی که او صدیقه بود، که جز صدیق نمی توانست او را غسل دهد. آیا نمی دانی مریم را (که صدیقه بود) جز عیسی غسل نداد.پیامبر به حضرت علی (علیه السّلام) فرمودند: به تو سه چیز داده شده که حتی به من هم داده نشد: یکی اینکه پدر همسر تو مثل من است و برای همسریت، صدیقه ای مثل دختر من به تو داده شده... [۸۹] .و گفتنی است که حتی مخالفین هم اعتراف می کنند که او صدیقه است.هنگامی که حضرت زهرا (علیهاالسّلام) مطالبی را در خطبه فدکیه بیان فرمودند. اولی می گوید:... و انتِ یا خیره النساء وابنه خیرالانبیاء صادقه فی قولک... ولا مصدوده عن صدقِک... صدق الله و رسوله و صَدَقتِ ابنته . [۹۰] .تو ای بهترین زنان و دختر بهترین پیامبران، در گفتارت صادق هستی... و چیزی نیست که تو را از صدقت باز دارد... خدا و رسولش راستگویند و دختر رسول خدا (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) هم راستگوست.ب) حضرت مهدی (عج) راست گفتار است حضرت علی (علیه السّلام) می فرماید: یَظهر صاحب الرایه المحمدیه والدوله الاحمدیه، القائم بالسیف والحال، الصادق فی المقال؛ یمَهِّدُ الارضَ و یحیِی السنه والفرض. [۹۱] .صاحب پرچم محمدی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) وبنیانگذاردولت احمدی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) ظهور می کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد، راستگو در گفتار است، زمین را مهد زندگی سازد و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده گرداند.

حضرت زهرا صابره و حضرت مهدی صابر است

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) صبر کننده است.در زیارت حضرت زهرا (علیهاالسّلام) می خوانیم: یا ممتحنه امتحنکِ الله الذی خلقک قبل ان یخلقک؛ فوجدکِ لما امتحنک صابرةً و... [۹۲] .ای امتحان شده ای که خداوند قبل از اینکه بیافریند تو را، امتحانت کرد؛ پس تو را صبر کننده دید نسبت به امتحانات....ب) حضرت مهدی (عج) صبر کننده است.در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السّلام) می خوانیم: فانه الهادی... الصابرالمجتهد الشکور... [۹۳] .در حدیث لوح است که: علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب... [۹۴] .مؤید این مطلب آن است که یکی از فقها و مراجع بزرگوار نقل می کرد: یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیراً در عالم روِیا خدمت حضرت بقیه الله (عج) رسیده؛ نوشته ای را روی سینه مبارک آن حضرت دیده، که روی آن نوشته شده بود:اَنَا صابرٌ علی هذا الا مر ولکن اندبونی، اندبونی، اندبونیر این امر، صبر می کنم؛ ولکن با سوز و ناله، بلند بلند بر من گریه کنید، بلند

بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید. [۹۵] .

حضرت زهرا معصومه و امام زمان معصوم است

الف) حضرت زهرا (س) معصومه است .عصمت حضرت زهرا (علیهاالسّلام) از آیه تطهیر و روایات متعدد به خوبی استفاده می شود [۹۶] و در زیارت آن بزرگوار می خوانیم: السلام علیک ایتها المعصومه المظلومه [۹۷] و می خوانیم: اللهم صل علی محمد و اهل بیته و صلّ علی البتول الطاهره الصدیقه المعصومه... [۹۸] .ب: حضرت مهدی (عج) معصوم است و در زیارت جامعه کبیره خطاب به تمامی امامان از جمله حضرت مهدی (عج) عرض می کنیم: واشهد اَنک م الائمّه الرّاشدون المهدیّون المعصومونَ الم کَرَّمو نَ الم قَرّبونَ... [۹۹] شهادت می دهم که شما پیشوایان رشد یافته، هدایت شدگان، معصومان، بزرگواران و مقرّبان درگاه خداوند... هستید.دلیلهای عصمت امامان شامل عصمت حضرت مهدی (عج) هم می شود

حضرت زهرا مظهر آیه نور و حضرت مهدی نور آل محمد است

الف) حضرت زهرا مظهر آیه نور است.برای آیه نور [۱۰۰] چند تأویل در روایات بیان شد. یکی از آنها حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را به عنوان مشکاه (محفظه چراغ، چراغدان) معرفی می کند.قال الصادق (علیه السّلام) «الله نورالسموات والارض مثل نوره کمشکاه » المشکاه فاطمه (علیهاالسّلام)، «فیها مصباح» المصباح، الحسن والحسین (علیهماالسلام) «فی زجاجه الزجاجه کانها کوکب دری»، کأن فاطمه (علیهاالسّلام) کوکب دری بین نساء اهل الارض (اهل الدنیا)... [۱۰۱] .امام صادق (علیه السّلام) فرمودند: «مشکاه» در آیه نور فاطمه (علیهاالسّلام) است «در او مصباح است»، «المصباح» یعنی امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) در او وجود دارند، «کانها کوکب دری»، فاطمه همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین (اهل دنیا) است.ب) حضرت مهدی (عج) نور آل محمد (علیهم السّلام) است.سید بن طاووس می گوید: از مهمات بعد از نماز ظهر، آن است که همانند امام صادق (علیه السلام) برای حضرت مهدی (عج) دعا کنیم.راوی می گوید: بعد از تمام شدن دعای حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: الیس قد دعوتُ لنفسک جعلت فداک؟ آیا این چنین نیست که برای خودتان دعا کردید؟ حضرت فرمودند: دعوتُ لنور آل محمد (علیهم السّلام) و سائقهم و المنتقم بامر الله من اعدائهم... [۱۰۲] .(خیر) دعا کردم برای نور آل محمد (علیهم السّلام) و پیش برنده ی آنها و انتقام گیرنده از دشمنانشان به دستور الهی.

حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو فریاد رس هستند

الف: حضرت زهرا فریاد رس است.علامه مجلسی روایت می کند، که اگر حاجتی داشتی و سینه ات به خاطر او تنگ گشته، دو رکعت نماز بخوان؛ بعد از سلام نماز، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را بخوان؛ سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی؛ پس گونه راست را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ سپس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو؛ و بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ و سپس به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو، وحاجت خود را یاد کن؛ به درستی که خداوند برآورده می کند ان شاء الله تعالی. [۱۰۳] .توجه: علامه مجلسی (ره) نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیهاالسّلام) را به گونه دیگری هم نقل می کند. [۱۰۴] .ب) حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) فریاد رس است.در زیارت آل یس (علیهم السّلام) می خوانیم: السلام علیک اَیّها العَلَم المنصوب والعِلم المَصب وب والغَوث والرحمَه الواسِعَه. [۱۰۵] .سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش ریزان و فریاد رس و رحمت واسعه حق.مؤید مطلب اینکه، قطب الدین راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل می کند، که در زندان ابن الیاس گرفتار شده بودم؛ تصمیم قتل مرا گرفته بود، که متوسل به امام سجاد

(علیه السّلام) شدم. خواب بر من غلبه پیدا کرد؛ وجود مبارک پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) را دیدم. دستوری عملی برای توسل به ائمه (علیهم السّلام) دادند. فرمودند: متوسل نشو به من و نه به دختر من و نه دو پسرم برای متاع دنیا؛ بلکه از برای آخرت متوسل شو و اما اخی ابوالحسن (علیه السّلام)، فانه ینقم لک ممن ظلمک... و اما علی بن الحسین ، فللنجاه من السلاطین و من معره (مفسده) الشیاطین و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد، فللاخره و اما موسی بن جعفر (علیه السّلام)، فالتمس به العافیه و اما علی بن موسی، فللنجاه من الاسفار فی البر و البحر و اما محمد بن علی، فاستنزل به الرزق من الله تعالی و اما علی بن محمد، فلقضاء النوافل و برالاخوان و اما الحسن بن علی، فللاخره و اما الحجه، فاذا بلغ منک السیف المذبح (و اَومَأ بیده الی الحلق) فاستغث به، فانه یغیثک و هو غیاث و کهف لمن استغاث به.برادرم حضرت علی (علیه السّلام)، از ظلم کننده به تو انتقام می کشد و امام سجاد (علیه السّلام)، برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین و امام باقر و امام صادق (علیهما السّلام)، برای آخرت و امام کاظم (علیه السّلام)، برای طلب عافیت و امام رضا (علیه السّلام)، برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی و امام جواد (علیه السّلام)، برای نزول رزق از خدا و امام هادی (علیه السّلام)، برای قضای نوافل و نیکی اخوان و امام عسکری (علیه السّلام)، برای آخرت و حضرت مهدی (عج) اگر شمشیر به محل ذبح تو (پیامبر (صلی اللّهُعلیه وآله وسلّم) با دست خود به گلو اشاره فرمود) رسید، پناه ببر به او؛ به درستی که او به فریاد تو می رسد؛ چرا که او فریاد رس است و پناه است برای کسی که به او استغاثه کند.فقل: یا مولای یا صاحب الزمان! انا مستغیث بک. [۱۰۶] .پس بگو: ای سرورم ! ای صاحب زمان! من به تو پناه آورده ام و از تو طلب فریادرسی می کنم.فقلت: یا مولای یا صاحب الزمان! انا مستغیث بک؛ فاذا انا بشخص قد نزل من السماء تحته فرس و بیده حربه من نور. فقلت : یا مولای! اکفنی شر من یؤ ذینی. فقال: قد کفیتک فاننی سالت الله عزوجل فیک و قد استجاب دعوتی.پس من گفتم: یا مولای یا صاحب الزمان! به فریادم برس. ناگهان دیدم شخص اسب سواری از آسمان فرود آمد؛ در حالی که سلاحی از نور در دست داشت. عرض کردم: ای مولای من! شر کسی که مرا اذیت می کند، دفع کن. فرمود: شر او را از تو برطرف کردم؛ کار تو را انجام دادم؛ من درباره تو از خدا خواستم و خداوند دعای مرا اجابت کرد.فاصبحت؛ فاستدعانی ابن الیاس و حل قیدی خلع علیّ و قال: بمن استغثت؟ فقلت: استغثت بمن هو غیاث المستغیثین. [۱۰۷] .صبح که طلوع کرد، ابن الیاس مرا خواست و خودش زنجیر را باز کرد و مرا آزاد کرد و سؤال کرد: به چه کسی پناه بردی و از چه کسی کمک گرفتی؟ گفتم : به کسی که فریادرس طالبان فریادرسی هستند.در دعای فرج می گوییم: اللهم عظم البلاء و برح الخفاء... یا مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث. [۱۰۸] .ای مولا و آقای من! ای صاحب زمان! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس.و در عریضه به خدمت حضرت بقیه الله (علیه السّلام) می نویسیم : کنت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا... فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک. [۱۰۹] .توجه: پیامبر (صلی اللّه علیه وآله وسلّم) فرمود: و هو غیاث و کهف لمن استغاث به او فریادرس و پناه هر کسی است که به او پناه ببرد و فریادرسی بخواهد. نفرمود فقط غیاث شیعیان و محبین است؛ بلکه غیاث هر کس است. چه بسیار کسانی که شیعه نبودند، اما وقتی به حضرتش استغاثه کردند، حضرت به فریاد آنها رسید. در این مورد قضایای بسیاری نقل شده که یکی از آنها را ذکر می کنیم:عالم فاضل ربانی میرزا حسین نوری نقل می کند که دانشمند بزگوار شیخ علی رشتی، از شاگردان استاد اعظم میرزای شیرازی می گوید: در یکی از سفرها، که از زیارت امام حسین (علیه السلام) به سوی نجف اشرف از راه فرات باز می گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود، سوار شدم. مسافران که اهل حله بودند به بازیگری و مزاح مشغول شدند؛ جز یک نفر که هر چند با آنها هم غذا و همسفر بود و بر مذهب او خرده می گرفتند و او را سرزنش می کردند، با کمال متانت نشسته بود و هیچ شوخی نمی کرد. از این وضع در تعجب بودم؛ تا اینکه به جایی رسیدیم که آب کم بود و به ناچار پیاده شدیم. در کنار نهر که می رفتیم، از او پرسیدم: چرا از آنها کناره گیری می کنی و آنها بر مذهب تو خرده می گیرند؟ گفت: اینها از عامه و خویشاوند من هستند؛ پدرم نیز از ایشان است؛ ولی مادرم از اهل ایمان است. من نیز مذهب آنها را داشتم ولی به برکت حضرت مهدی (عج) شیعه شدم.از چگونگی شیعه شدن او سؤال کردم؟

جواب داد: اسم من یاقوت و شغل من روغن فروشی است. در یکی از سالها برای خریدن روغن از شهر حله بیرون رفتم، تا از صحرا نشینان روغن بخرم. تا آن مقدار که می خواستم خریدم و به اتفاق عده ای از اهالی حلّه بازگشتم و در یکی از منزلگاهها فرود آمدیم و خوابیدم. وقتی بیدار شدم، دیدم همه رفته اند و من در صحرای بی آب و علفی که درندگان زیادی هم داشت، تنها مانده ام. به راه افتادم؛ ولی راه را گم کردم و متحیر ماندم؛ از طرف دیگر از تشنگی و درندگان ترسان شدم. در آن حال به خلفا و مشایخ استغاثه کردم و از آنها کمک و شفاعت خواستم، تا خداوند برایم فرج کند؛ ولی نتیجه ای نداد.با خود گفتم: از مادرم شنیده ام که می گفت: ما امام زنده ای داریم که کنیه اش ابا صالح است؛ یرشد الضّالَّ و یغیث الملهوف و یعین الضعیف. به فریاد گم شدگان می رسد و درماندگان و ضعیفان را کمک و یاری می کند. با خداوند پیمان بستم، که به او استغاثه می کنم؛ اگر نجاتم داد، به مذهب مادرم در می آیم. پس او را صدا کردم و به او پناه بردم. ناگهان در کنار خود کسی را دیدم که عمامه سبزی بر سرداشت و همراه من را ه می رفت. به من دستور داد که به مذهب مادرم در آیم و کلماتی فرمود؛ و به من فرمود به زودی به آبادیی می رسی که آنجا همه شیعه هستند. گفتم: ای آقای من! شما با من به آن آبادی نمیآیید؟ فرمودند: نه، لا نه استغاث بی الف نفس فی اطراف البلا د اریـد ان اُغیثهم. چون هزار نفر در اطراف بلا د به من پناهنده شده اند؛ می خواهم آنان را خلا ص کنم. یکباره از نظرم غایب شد. کمی راه رفتم و به آبادی رسیدم؛ در صورتی که مسافت زیادی تا آنجا بود، که همسفرهایم روز بعد به آنجا رسیدند. از آنجا به حله برگشتم و به نزد سیدالفقها سید مهدی قزوینی رفتم و جریان را به او گفتم. او احکام و مسائل دینی را به من آموخت. از او سؤال کردم: چه عملی انجام دهم که بار دیگر خدمت آن حضرت برسم؟گفت: چهل شب جمعه به زیارت امام حسین (علیه السلام) برو. من هم شبهای جمعه به زیارت قبر آن حضرت می رفتم. در شب جمعه سی و نهم، وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم، مأمورین ظالم از مردم گذرنامه می خواستند و خیلی سخت می گرفتند. من هم که نه گذرنامه داشتم و نه قیمت آن را، چندبار خواستم به طور قاچاق از میان جمعیت وارد شوم؛ ولی نشد. در همین اثنا حضرت صاحب الا مر (عج) را دیدم که داخل شهر است. به او استغاثه کردم و کمک خواستم. بیرون آمد و مرا همراه خود از دروازه داخل شهر کرد و کسی مرا ندید. وقتی وارد شهر شدیم، یکباره او را دیگر ندیدم و با حسرت و تأسف بر فراقش ماندم. [۱۱۰] .

حضرت زهرا منتظِر و حضرت مهدی هم منتظَر و هم منتظِر است

الف) حضرت زهرا منتظِر است .در اواخر خطبه فدکیه [۱۱۱] حضرت زهرا (علیهاالسّلام) می فرماید:«وانتَظِر وا اِنّا منتظرون». [۱۱۲] .در تفاسیر روایی ، این آیه به ظهور حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)، تأویل شده است که به برخی از آنها اشاره می شود. [۱۱۳] .- علی بن رئاب عن ابی عبدالله (علیه السّلام) انه قال فی قول ا لله عزوجل: «یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل (او کسبت فی ایمانها خیرا قل انتظروا اِنّا منتظرون)» [۱۱۴] قال: الایات الائمه والایه المنتظره ، القائم (علیه السّلام). [۱۱۵] .امام صادق (علیه السّلام) پیرامون این آیه « روزی که بعضی از آیات پروردگار تحقق می پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت. بگو: انتظار بکشید، ما هم انتظار می کشیم.» فرمودند: آیات، ائمه (علیهم السلام) هستند و آیه ای که انتظار او کشیده می شود، حضرت قائم (علیه السّلام) است.- ابی بصیر می گوید: امام صادق (علیه السّلام) در تفسیر همین آیه فرمودند: یعنی خروج القائم المنتظر منا... [۱۱۶] .انتظار قیام حضرت قائم، که او منتظَر از ما اهل بیت هست.پس شما و ما منتظِر منتظَر (حضرت مهدی، علیه السّلام) هستیم.- محمد بن فضیل می گوید: از امام رضا (علیه السّلام) سؤال کردم از انتظار فرج فقال: او لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج؛ ثم قال: ان الله تبارک وتعالی یقول: «وارتقبوا انی معکم رقیب». [۱۱۷] .حضرت فرمود: آیا نمی دانی انتظار فرج از فرج است (جزو فرج است)؛ سپس فرمود: خداوند می فرماید: «انتظار بکشید؛ من هم با شما منتظر هستم».- تا آنجا آیه «فانتظروا انی معکم من المنتظرین»

مربوط به حضرت مهدی (علیه السّلام) است که امام صادق (علیه السّلام) برای اثبات اینکه آیه سوم سوره بقره در مورد حضرت مهدی (علیه السّلام) است، به این آیه تمسک می کنند.یحیی بن قاسم می گوید: از امام صادق (علیه السّلام) در مورد آیه «الم ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤ منون بالغیب» [۱۱۸] سؤال کردم فقال : المتقون، شیعه علیٍّ والغیب هو الحجه القائم و شاهد ذلک قول الله عزوجل «و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانتظروا انی معکم من المنتظرین». [۱۱۹] و [۱۲۰] .حضرت فرمودند: مراد از متقین در آیه، شیعه حضرت علی (علیه السّلام) هستند و غیب حضرت قائم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است؛ شاهد بر این مدعا گفتار خداوند است که می فرماید: «می گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود! پس بگو: غیب تنها برای خدا (و به فرمان او) است؛ شما در انتظار باشید؛ من هم با شما در انتظارم.پس حضرت زهرا (علیها السلام) با تمسک به این آیه، منتظرِ ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد.ای امید آخرین فاطمه ای نگار دلنشین فاطمه کی بگیری انتقام فاطمهپرکنی عالم زنام فاطمهفاطمه آن علت کل وجودمنتظر باشد به آن روی کبودکی ز رویش رنگ نیلی می بری کی زدلها داغ سیلی می بری آوری کی بهر آن مادر دواکی دهی بشکسته پهلو را شفامادرت غمدیده و دل بیقرارمی کشد بهر ظهورت انتظارقد کمان جوید تو را آن مام پاک گرچه جسم اطهرش غلتد بخاک عالم هستی فدای خال توفاطمه در کوچه ها دنبال تو [۱۲۱] .ب) حضرت مهدی (عج) هم منتظَر است و هم منتظِر.در ضمن بحث قبل، این معنا روشن شد. اما روایاتی هم داریم که آن حضرت را به این لقب معرفی کرده اند.امام جواد (علیه السّلام) می فرماید: ان الامام بعدی ابنی علی... والامام بعده ابنه الحسن... ثم سکت. فقلت له: یابن رسول الله! فمن الامام بعد الحسن؟امام بعد از من، فرزندم علی (امام هادی«علیه السّلام») است و امام بعد از او، پسرش حسن (علیه السّلام) است؛ پس امام ساکت شد. عرض کرد: امام بعد از امام حسن عسکری (علیه السّلام) کیست؟فبکی (علیه السّلام) بکاءً شدیداً ثم قال انّ من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظَر.امام به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن، فرزند او قائم به حق که منتظَر است، می باشد.فقلت له: یا بن رسول الله: لم سمی القائم؟ قال: لانه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بامامته .عرض کردم : چرا به او قائم گویند؟ فرمود: زیرا او بعد از آنکه یادش از بین می رود و بیشتر قائلین به امامتش از اعتقاد خود باز می گردند، قیام می کند.فقلت له: و لم سمّی المنتظَر؟ قال: لان له غیبه یکثر ایامها و یطول اَمَدَها؛ فینتظر خروجَه المخلصون... [۱۲۲] .عرض کردم : چرا به او منتظر گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبت طولانیی است؛ پس مؤ منین مخلص انتظار ظهورش را می کشند.البته کلمه «منتظر» را در این روایت، می شود بر وزن اسم فاعل (با کسره) هم خواند؛ اما به قرینه ذیل روایت (فینتظر...) حتماً باید بر وزن اسم مفعول (با فتحه) خواند.حضرت مهدی (عج) منتظِر است :ابی بصیر می گوید: از امام باقر (علیه السّلام) شنیدم که می فرماید: فی صاحب هذا الامر اربع سنن من اربعه انبیاء: سنه من موسی و... و اما من موسی فخائف یترقب. [۱۲۳] .فرمود: در صاحب این امر چهار روش از چهار پیامبر وجود دارد: روشی از موسی (علیه السلام) و... و روش او از موسی این است که ترسانِ منتظِر است.در دعا زمان غیبت می خوانیم و امرک ینتظر، منتظر دستور تو است. [۱۲۴] .

حضرت زهرا نور اهل آسمان و حضرت مهدی نور اهل زمین است

الف) حضرت زهرا (س) نور اهل آسمان است در بخشی از یک حدیث طولانی و زیبا، پیامبر اکرم (ص) فرمود:ثم اظلمت المشارق و المغارب، فشکت الملائکه اِلی الله تعالی ان یکشف عنهم تلک الظلمه. فتکلم الله جلّ جلالُه کلمهً فخلق منها روحا ثُمّ تکلم بکلمهٍ فخلق من تلک الکلمه نوراً، فأ ضاءت النور اِلی تلک الروح و ا قامها مقامَ العرش فزهرت المشارق و المغارب فهی فاطمه الزهراء و لذلک سمیت الزهراء لان نورها زهرت به السماوات. [۱۲۵] .سپس ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. ملائکه به خدا شکایت کردند: «خدایا! این تاریکی را از ما برطرف کن». پس خداوند، کلمه ای فرمود. از آن کلمه، روحی را خلق کرد. سپس کلمه ای فرمود. از آن کلمه هم، نوری خلق کرد. آن نور، روشنایی داد (و اضافه شد) به آن روح. خداوند، او را در جایگاه عرش جا داد.

پس همه جا روشن شـد. آن، حضرت فـاطمه زهرا (س) است. به همین دلیـل، «فـاطمه» را «زهرا» نامیدنـد؛ چـون به واسـطهِ نـور او، آسـمان ها روشن شـد.ب) حضـرت مهـدی (عج) نور اهل زمین است مفضل بن عمر می گوید:از امام صادق (ع) شـنیدم که فرمود: «ربّ الا رض» در آیهِ)وا شرقت الا رض بنور ربّها [۱۲۶] (؛ یعنی امام الارض «مراد امام زمین است.» پرسیدم: «وقتی حضرت خروج کند چه می شود؟».فرمود: «در آن روز، مردم، از نور خورشـید و ماه، بی نیاز می شوند و به نور امام (ع) اکتفا می کنند. [۱۲۷] .مراد از «امـام» در این روایت، یقینـاً، حضـرت مهـدی (عـج) است؛ زیرا اوّلاًـ در خود روایت می گویـد: «وقتی قیـام کنـد، چه اتفـاقی می افتد؟». ثانیاً، هیچ زمانی این گونه نبوده و فقط در زمان آن حضـرت، مردم از نور خورشـید و ماه بی نیاز می شوند. [۱۲۸] .دلیل این مطلب، روایتی است که باز خود مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:اِذا قائمنا قام، ا شـرقت الا رض بنور ربّها و استغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهبت الظلمه.... [۱۲۹] .وقتی قائم ما قیام کنـد، زمین، به نور پروردگارش روشن می شود و مردم، از نور خورشید بی نیاز می شوند و ظلمت به طور کلی از بین می رود.

حضرت زهرا خیره الاحرار و سیده النساء، مادر حضرت مهدی خیره الاِماء و سیده الاِماء است

جابر جعفی می گویـد:از امام باقر (ع) شـنیدم که فرمود: عمر بن خطاب به امیرالمؤ منین (ع) عرض کرد: «اسم مهدی (ع) چیست؟». حضـرت فرمود: «رسول خـدا (ص) از من تعهّـد گرفتنـد که نام او را بیان نکنم تا خداونـد، به او، اجازهِ قیام بدهد».عمر گفت: «پس اوصـاف او را بگو». حضـرت فرمود: «او، جوانی است میانه، صورتش بسـیار زیبا، با موهای زیبایی که بر شانه هایش می رسـد و نور صورتش بر سـیاهی محاسن و موهای سرش غلبه دارد».آن گاه حضرت فرمود: «پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان». [۱۳۰] .عبدالرحیم قیصـر می گویـد:به امـام بـاقر (ع) عرض کردم: «این جملهِ امیرمؤمنـان (ع): بـأ بی ابن خیره الاِماء آیا منظور، فاطمه است»؟ حضـرت فرمود: «همانا فاطمه بهترین و برگزیدهِ زنان آزاده است». [۱۳۱] .امام کاظم (ع) در ضمن بیان خصوصیات حضرت مهدی (عج) می فرماید: «ذلک ابن سیده الاِماء الذی یخفی علی الناس ولادته... [۱۳۲] ؛ آن، فرزند سرور کنیزان است که تولدش بر مردم مخفی می ماند».امام صادق (ع) با معرفی حضـرت مهدی (عج) می فرماید:هو الخامس من ولد ابنی موسـی ذلك ابن سیده الاِماء.... [۱۳۳] .او، پنجمین امام پس از پسـرم موسـی کاظم است. او، فرزنـد سـرور کنیزان است.بنابرآن چه گفتیم، حضـرت زهرا (س) خیره الا حرار و حضرت نرجس خاتون (س) خیره الاِماء و سیده الاِماء است.

سخن گفتن حضرت زهرا و حضرت مهدی هر دو در شکم مادر

الف) حضرت زهرا (س) با مادر سخن می گوید:امام صادق (ع) می فرماید:«وقتی حضرت خدیجه (س) با پیامبر (ص) ازدواج کرد، زنـان مکه از او کنـاره گیری کردنـد، (و او تنهـا شـد) تـا این که به حضـرت زهرا (س) باردار شـد. در آن زمان بود که فاطمه، با او سخـن می گفت و از او می خـواست که صبر کنـد. [۱۳۴] .ب) سـخن گفتن حضـرت مهدی (عج) در شـکم مادر:حضرت حکیمه خاتون، وقتی قضـیهِ شب تولّـد را نقل می کنـد، می گویـد:امام عسـکری (ع) فرمود: «سورهِ قـدر را بر نرجس خاتون بخوان.» شـروع کردم به خواندن سوره قدر. پس آن طفل، در شـکم نرجس خاتون، با من همراهی می کرد و می خواند آن چه من می خواندم و بر من سـلامی کرد. من ترسـیدم.امام، صـدا زد: «ای عمه! از قدرت الهی تعجب نکن، که حق تعالی کودکان ما را به حکمت گویا می گرداند و ما را در بزرگی، در زمین، حجت خود می گرداند». [۱۳۵] .

حضرت زهرا و حضرت مهدی شفیع مؤمنان در قیامتند

الف) حضـرت زهرا (س) شفیع روز قیامت است:روایات دلالت کننده بر مقام شفاعت زهرا (س) متعدد هستند. [۱۳۶] در این جا، به

برخی از آن ها اشاره می شود.پیامبر اکرم (ص) فرمود:ای فاطمه! بشارت باد بر تو! نزد خداوند مقام محمودی داری. در آن مقام، برای دوستداران و شیعیان خودت، شفاعت می کنی و شفاعت تو پذیرفته می شود. [۱۳۷] .بلال بن حمامه می گوید:یک روز پیامبر اکرم (ص) بر ما وارد شد در حالی که نور صورتش مثل ماه درخشان بود و خوش حال بود. عبدالرحمان بن عوف عرض کرد: «ای رسول خدا! این نور چیست»!؟ فرمود: «از طرف خداوند، بشارتی در مورد برادرم و پسر عمویم (علی «ع») و دخترم آمد که به واسطهِ آن دو، مردان و زنان امّتم از آتش جهنم نجات پیدا می کنند». [۱۳۸] .امیرمؤمنان (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) فرمود: «شما، پیشوا هستید و شفاعت برای مادر شماست». [۱۳۹] .ب) حضرت مهدی (عج) هم شفیع روز قیامت است:در حدیثی، امیر مومنان علی (ع) و جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) نقل می کنند که پیامبر (ص) مقامات ائمه (ع) را در روز قیامت بیان فرمود. مقام حضرت مهدی (عج) را این گونه بیان می فرماید: امام مهدی (عج)، شفیع مؤمنان در روز قیامت است؛ چرا که اذن شفاعت، از طرف خداوند داده نمی شود مگر به کسی که خداوند بخواهد و به آن راضی باشد. [۱۴۰] .

مظلومیت حضرت زهرا و حضرت مهدی

الف) ستم دیدگی حضرت زهرا (س):در زیارت آن حضرت می خوانیم: «السلام علیك ا یتها المعصومه المظلومه [۱۴۱] ؛ سلام بر تو ای پاك ستمدیده».و «اللهم صل... و صلّ علی البتول....المظلومه المقهوره». [۱۴۲] .امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیّت همسرش می فرماید:انِ فاطمه بنت رسول الله (ص) لم تزل مظلومه، من حقها ممنوعه.... [۱۴۳] .فاطمه، دختر پیامبر خدا (ص)، همواره ستم دیده بوده و از حق خود محروم شد.ب) او (عج) ستمدیده است:امیر مؤمنان علی (ع) در ترسیم مظلومیت و غربت فرزندش مهدی (عج) می فرماید: «صاحب هذا الا مر الشریدُ الطریدُ الفریدُ الوحید؛ صاحب این امر، همان رانده شدهِ دور شده یگانه و تنها است». [۱۴۴] .در حدیث دیگری حضرت علی (ع) تصریح می کند به این که او غریب است:سیأ تی الله بقوم یُحِبّهُم و یُحِبّونَهُ و یَملِکُ مَن هو بینهم غریب.... [۱۴۵] .خداوند، گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست می دارند و کسی که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می کند.امام کاظم (ع) می فرماید: «هو الطرید الوحید الغریب؛ او، همان رانده شدهِ یکه و تنهای غریب است». [۱۴۶] .حضرت، به حدّی مظلوم است که امام باقر (ع) می فرماید: «اگر او را می شناختند، او را تکه تکه می کردند». [۱۴۷] .همانند اذیت و آزارهایی که بر پیامبر (ص) پیش آمد، بر ایشان نیز وارد می آید و بلکه بیش تر. [۱۴۸] .باز در بیان مظلومیت ایشان چنین آمده است که وقتی بر منبر کوفه می نشیند و عهدنامهِ پیامبر (ص) را می خواند، تمام افراد از اطراف او می گریزند و تنها وزیر او و یازده نفر نقیب باقی می مانند؛ هر چند آنان باز می گردند. [۱۴۹] .آه از این مظلومیّت! چه قدر این مظلومیت سوزناك و جان كاه است كه: حضرت زهرا (س) خود و فرزندش را مظلوم معرفی می کند.مرحوم میرجهانی می گفت:در عالم روِ یا، مادر مظلومم حضرت فاطمه صدیقه (س) را دیدم و ایشان سه بیت شعر فارسی خواند، وقتی بیدار شدم فقط یك بیت را به یاد داشتم و آن بیت این گونه است:دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبوددر این زمان دل فرزند من شکسته تر است [۱۵۰] .و بالا خره خود حضرت مهدی (عج) خود را مظلوم ترین فرد عالم معرفی می کند.حجه الاسلام حاج سیّد اسماعیل شرفی می گوید:به عتبات مقدّسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء (ع) مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالاـ سر حرم مطهر امام حسین (ع) مستجاب است، در آن جا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارك مولایم حضرت مهدی،ارواحنافداه، مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن کند.مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد. گرچه در آن هنگام، حضرتش را نشناختم، ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم. پس از سلام، از ایشان پرسیدم: «شما کیستید؟». آقا فرمود: «من، مظلوم ترین فرد عالم هستم.»! من، متوجّه نشدم و با خود گفتم: «شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند، خود را مظلوم ترین فرد عالم می داند.» در این هنگام،

ناگهـان متوجّه شـدم که کسـی در کنـارم نیست. این جا بود که فهمیـدم، مظلوم ترین فرد عالم، کسـی جز امام زمان، ا رواحنا فـداه، نیست و من نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم. [۱۵۱] .بیایید با هم، این دو مظلوم را از مظلومیت بیرون بیاوریم.

علاقه پیامبر به حضرت زهرا و حضرت مهدی

علاقه و محبّت رسول خـدا (ص) به حضـرت زهرا (س) را در این نوشـتار نمی توان بیان کرد و فقط به ذکر چنـد روایت بسـنده می کنیم:حضرت رسول اکرم (ص) در حدیثی، خطاب به امیرمؤمنان (ع) فرمود:سفارش هایی به دخترم فاطمه کردم و به او گفتم آن ها را به شـما بگویـد. آن ها را حتمی بدان؛ چرا که او شدیداً راسـتگو هست.سپس پیامبر (ص) او را به نزدیک خود خواند و سر او را بوسـید و فرمود: «ای فاطمه! پـدرت، فـدای تو باد»! [۱۵۲] .در حـدیث دیگر فرمود: «پـدر و مـادرم فـدای تو باد»! [۱۵۳] .در زیارت حضـرت زهرا (س) می خـوانیم: «اللهم صـلّ علی البتول...فـاطمه بنت رسولـک و بضـعه لحمه و صـمیم قلبه و فلـذه کبـده...و حـبیبه المصطفی». [۱۵۴] .خـدایا! درود فرست بر بتول فـاطمه دختر رسول خودت و پـارهِ تن او و سویـدای دل او و پـارهِ جگر او و محبوبهِ مصطفی.علاقهِ پیامبر (ص) به حضرت مهدی (عج)پیامبر (ص) با معرفی حضرت مهدی (عج) می فرماید:بأَبی و امّی سَمِیِّی و شبیهی و شبیهِ موسی بن عمران، علیه جُیُوبُ النّورِ یَتَوقدُ من شُعاعِ القُدسِ. [۱۵۵] .پـدر و مادرم به فدای او باد! هم نام من است و شبیه من و حضـرت موسی است. هـاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته. اشـعهِ انوار قدسـی از او سـاطع است».ای گل محبوب خاتم، با خـدا همراه و محرم با دلی سوزان ماتم، بهر مادر گشـته پرغم سوزد از هجر تو عالم، ای گل زهرا کجایی؟ بیا ای زادهِ زهرا، تویی نور دل طه [۱۵۶] .پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر می فرماید:طوبی لمَن لقیه و طوبی لمَن ا حبّه و طوبی لمَن قال به. [۱۵۷] .خوشا به حال کسـی که او را ملاقـات کنـد، خوشـا به حال کسـی که او را دوست بـدارد و خوشا به حال کسـی که به او معتقـد باشـد!آن قـدر او محبوب پیـامبر (ص) است که در دعای عهـد بعـد از دعاهای متعـدد برای وجود مقـدس او و برای فرجش، می خوانیم: «اللّهُم و سُرِ نبیّک محمّداً بِرُوِ یَتِه؛ خدایا! خوش حال کن پیامبرت محمد را به واسطهِ دیدار وجود مقدس حضرت مهدی». [۱۵۸] .عبدالله بن عمر نقل می کند: پیامبر (ص) فرمود:خداوند در شب معراج، به من فرمود: «چه کسـی را در زمین بر امّت ات جانشـین کرده ای؟» عرض کردم: «برادرم را». فرمـود: «علی ابـن ابی طـالب (ع) را؟» عرض کردم:«بلی». فرمـود: «نظری بر زمیـن کردم، پس تـو را انتخـاب کردم....نظر دیگری کردم و علی (ع) را انتخاب کردم و او را وصـی تو قرار دادم....ای محمد!، علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور خلق کردم. سـپس ولایت آنان را بر ملائکه عرضه داشـتم. هر کس آن را پذیرفت، از مقرّبان شد و هر کس آن را رد کرد، به کـافران پیوست.ای محمـد! اگر بنـده ای، مرا چنـدان پرسـتش کنـد تـا رشـته حیاتش از هم بگسـلد، ولی در حالی که منکر ولایت آنان است، با من رو به رو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکنـد.ای محمد! آیا مایلی آنان را ببینی؟». عرض کردم: «بلی». فرمود: «قـدمی پیش گـذار!» من، قـدمی جلو نهادم، ناگاه دیدم، علی ابن ابی طالب و حسن و حسـین و علی بن الحسـین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسـی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و حجت قائم را که در میان آنان، هماننـد سـتاره ای درخشان (کوکب دری) بود. گفتم: «اینان چه کسانی انـد»؟ گفت: «اینان، امامان هسـتند و این ایسـتاده (قائم)، کسـی است که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا حرام و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمّد! او را دوست بدار؛ چرا که من او را دوست می دارم و هر کس او را دوست بدارد نیز دوست دارم. [۱۵۹] .

عنایت هر دو به زائران حسین

الف) عنایت حضـرت زهرا (س) به زائران حسـین (ع):یکی از ویژ گی های حضرت زهرا (س) این است که به زائران فرزند شهیدش امـام حسـین (ع) عنـایت ویژه ای دارد. هنگامی که آنان به زیارت امام حسین (ع) می رونـد، حضـرت زهرا (س) حاضـر می شود و

برای آنان طلب آمرزش و دعا می کند.روایات متعددی بر این مطلب دلالت می کند. برخی از آن ها به شرح زیر است:۱. امام صادق (ع) می فرماید:انّ فاطمه بنت محمد، تحضر لزوّار قبر ابنها الحسین فَتَستغفُر لَهُم ذُنُوبَهُم. [۱۶۰] .حضرت فاطمه (س) دختر گرامی حضرت محمد (ص) برای زوّار قبر فرزندش حضرت حسین (ع) حاضر می شود، سپس برای گناهان آنان طلب آمرزش می کند.۲. امام صادق (ع) به معاویه بن وَهَب فرمود:زیارت حسین (ع) را ترک مکن! آیا دوست داری که خدا، تو را در زمرهِ کسانی ببیند که حضرت رسول و علی و فاطمه و ائمه (ع) در حقشان دعا می کنند؟ [۱۶۱] .۳. سلیمان اعمش می گوید:در کوفه، شب جمعه ای نزد شیخی بودم. به او گفتم: دربارهِ زیارت امام حسین (ع) چه می گویی؟» گفت: «بدعت است و هر بدعتی، گمراهی است و هر صاحب گمراهی در آتش است». ناراحت شدم و رفتم.نیمه های شب آمدم، درِ خانهِ او را زدم. همسرش گفت: «او به زیارت امام حسین (ع) رفته است».سلیمان می گوید: من هم به طرف حرم امام حسین (ع) رفتم. وقتی داخل حرم شریف شدم، دیدم شیخ در حالی که به سجده افتاده، گریه و ناله می کند و از خداوند طلب مغفرت و توبه می کند. بعد از مدّتی طولانی سرش را بلند کرد. گفتم: «ای شیخ! دیروز آن جمله را گفتی، پس الان چه گونه به زیارتش آمدی؟» گفت: ای سلیمان! مرا سرزنش نکن! دیشب، در خواب...، شتری از نور دیدم که کجاوه ای از نور، بر روی آن شتر بود و داخل آن دو خانم بودند. گفتم: «این دو خانم بزرگوار کی اند؟» گفت: «یکی، حضرت خدیجه (س) و دیگری حضرت سیده النساء فاطمه زهرا (س) است». گفتم: «این جمع به کجا می روند؟» گفت: «به زیارت حسین که در کربلا از روی ظلم شهید شد، می روند».به آن هودج نگاه کردم. دیدم اوراقی از آن به پایین می ریزد. پرسیدم: «این اوراق مکتوب چیست؟» گفت: «در این ورق ها نوشته شده هر کس در شب جمعه، به زیارت قبر حسین (ع) بیاید، از آتش جهنم ایمن خواهد بود». [۱۶۲] .گواه این قضیّه، تشرّف حاج علی بغدادی است که سؤالات بسیاری از امام زمان (عج) کرد. یکی از آن ها این بود:منبری ها جریان سلیمان اعمش را می گویند. آیا این حدیث صحیح است»؟ فرمود: «آری، راست و صحیح است». گفتم: «سیدنا! صحیح است که می گویند: هر کس زیارت کند حسین (ع) را در شب جمعه، برای او امان است»؟ فرمود: «آری، والله!» و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست. [۱۶۳] .ب) عنایت حضرت مهدی (عج) به زائران حسین (ع):قضایای زیادی بر این مطلب دلالت دارد. یکی از آن ها، قضیّهِ معروف جعفر نعل بند است که مرحوم نهاوندی آورده است. [۱۶۴] .

بیعت کسی بر آن دو بزرگوار نیست و از کسی تقیه نمی کنند

در مجلهِ انتظار، شمارهِ ۷ گفتیم، به بیست و پنج مورد از شباهت های این دو بزرگوار اشاره می کنیم، ولی به موارد دیگری برخورد کردیم. مواردی هم برادر ارجمند آقای لطیف زاده تحقیق کردند، از این روی برخی از آن ها را ذکر می کنیم.بیعت، پیمانی است که به موجب آن نتوان با ستمگران به نبرد برخاست و از روی ناچاری و تقیّه باید حکومت آنان را به رسمیّت شناخت. همهِ پیشوایان معصوم، به مقتضای حکمت الهی دچار چنین پیمانی بودند، امّا بعضی از معصومان چنین بیعتی بر گردن نداشتند.الف) بیعت و تقیه نکردن حضرت زهرا (س):دشمنان، پس از غصب خلافت، سعی کردند از همهِ مردم، به ویژه صحابهِ خاصّ پیامبر اکرم (ص) خاصّه خاندان رسالت (حضرت علی و حضرت زهرا (ع)) برای خود بیعت بگیرند تا افکار عمومی را به خود جلب کنند، ولی حضرت زهرا (س)، همهِ مصیبت ها را تحمل کرد و تا زنده بود، با غاصبان حکومت بیعت نکرد، بلکه برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی اش، مبارزه نمود و حتی مانع بیعت حضرت علی (ع) شد. [۱۶۵] .ب) نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردن حضرت مهدی (عج) و تقیّه نکردن آن حضرت:پیشوایان معصوم ما، اگر با کسی پیمان می بستند، (گر چه از روی مصلحت و تقیه)، به آن پای بند بودند. بهترین گواه، این است که امام حسین (ع) تا زمانی که معاویه زنده بود، به خاطر احترام به صلح برادرش قیام نکرد. حضرت مهدی (عج) به دلیل این که برای ریشه کن کردن ستم و ستمگران آفریده شده است و اگر ظاهر و آشکار بود، سکوتش به

معنای رضا به ستمگری ستمگران و ترک نبرد با آنان بود (گرچه از روی تقیّه) در پس پرده غیبت به سر می برد تا بیعت کسی بر گردنش نباشد. همین، یکی از علل غیبت آن حضرت شمرده شده است.حضرت علی (ع) می فرماید:...اِن القائم منّا اذا قام لم یکن لا حد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی ولادته و تغیب شخصه. [۱۶۶] .هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی بر گردن او نخواهد بود. از این رو، ولادت او مخفی می شود و از دیده ها پنهان می شود.حضرت مهدی (عج) فرمود:اِنّه لم یکن لا حد من آبائی (ع) اِلاّ و قد وقعت فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه و اِنّی ا خرج حین ا خرج و لابیعه لا حد من الطواغیت فی عنقی. [۱۶۷] .بر گردن همهِ پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود، امّا من وقتی خروج کنم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست.در زمان آن حضرت تقیه ای در کار نیست:حضرت علی (ع) در تفسیر آیهِ شریفه)وعد الله الذین ءامنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهم... [۱۶۸] فرمود:در امن و امان مرا بپرستند، بدون هیچ ترس و واهمه ای و نیاز به تقیّه احساس نکنند. این آیه، در حق قائم (عج) نازل شده است. منظور از «کسانی که ایمان آورده اند»، در این آیه، پیشوایان معصوم (ع) هستند. [۱۶۹] .

دوری هر دو از ستمگران

الف) دوری حضرت زهرا (س):بعد از آن تلاشی که حضرت زهرا (س) برای هدایت مردم و برگرداندن ولایت به حضرت علی (ع) کرد، و مورد بی مهری و ستم قرار گرفت، از مردم فاصله گرفت و در خانه مشغول عزاداری و گریه بر فقدان پدر شد، امّا این بار هم مورد بی لطفی قرار گرفت و جمعی از بزرگان به حضور امیرالمؤ منین علی (ع) آمدند و عرض کردند:فاطمه (س) شب و روز گریه می کند. شب از گریه آن حضرت خواب نداریم و روز برای ما آرامش نیست تا بتوانیم به امور معاش خود بپردازیم. ما از تو تقاضا می کنیم که به آن حضرت بگویی، یا شب گریه کند و روز آرام باشد و یا روز گریه کند و شب آرام باشد.حضرت علی (ع) نزد فاطمه (س) رفت و او را هم چنان گریان دید. کمی که آرام گرفت، به او فرمود: «از من تقاضا کردند که شما، یا شب گریه کنی یا روز». فاطمه (س) گفت: «من به زودی از میان آنان می روم. دست از گریه ام برنمی دارم تا به پدرم ملحق شوم».سپس حضرت علی (ع) برای فاطمه (س) سرپناهی به نام «بیت الا حزان» دورتر از خانه های مردم در قبرستان بقیع ساخت.فاطمه (س) هر روز صبح حسن و حسین (ع) را در پیش روی خود به سوی بقیع روانه می کرد و گریان به بیت الا حزان می رفت. وقتی که شب فرا می رسید، حضرت علی (ع) نزد او می آمد و همراه آن حضرت به خانه مراجعت می کرد. [۱۷۰] .امام صادق (ع) می فرماید: «هر روز از مدینه خارج می شد و کنار قبرهای شهیدان مشغول گریه بود». [۱۷۱] .وقتی زنان مدینه به عیادت حضرت فاطمه (س) آمدند و از احوال آن حضرت پرسیدند، حضرت فاطمه (س) پس از حمد خداوند و درود بر پدرش فرمود: «حالم چنین است که به خدا سوگند از دنیای شما بیزار و بر مردانتان خشمناکم». [۱۷۲] .در صحیح بخاری آمده، که وقتی حضرت زهرا (س) فدک را مطالبه کرد، ابوبکر خودداری کرد و چیزی را از فدک به او نداد. آن حضرت از ابوبکر ناراحت شد. پس از او کناره گیری کرد و با او سخنی نگفت تا از دنیا رفت. [۱۷۳] .ب) دوری حضرت مهدی (عج):حضرت مهدی (عج) از هنگام ولادت، از مردم و به ویژه ستمگران، مخفی بود. در آغاز ولادت، بعضی به صورت محدود می توانستند خدمت آن حضرت برسند. این محدودیت، در زمان غیبت صغری بیش تر شد و در زمان غیبت کبری به اوج خود رسید و از مردم دوری می فرمود.امام باقر (ع) می فرماید:«اِذا غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه، نحّانا عن جوارهم.هنگامی که خدای تبارک و تعالی بر مردمان خشمگین شود، ما را از مجاورت آنان دور می سازد. [۱۷۴] .در روایات دیگر داریم، ولادت و رشد او مخفی است [۱۷۵] ؛ پنهانی است، که انتظار می کشد. [۱۷۶] مردم امام خود را نمی بینند، او در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند، اما مردم او را نمی بینند. [۱۷۷] .خود حضرت مهدی (عج) در توقیع شریف به شیخ مفید می فرماید:اگر چه ما در مکان دور دستی زندگی می کنیم، مکانی که از خانه های ستمگران به دور است، به جهت مصلحتی که خداوند برای ما و شیعیان ما دیده در این دوری، امّا ما از خبرهای شما آگاه هستیم....

[۱۷۸] .حضرت به علی بن ابراهیم بن مهزیار فرمود:پدرم امام عسکری (ع) با من پیمان بسته که در کنار گروهی که مورد غضب و نفرین خداوند قرار گرفتند، زندگی نکنم و به من دستور داده که تنها در کوه هایی که عبور از آن دشوار است و زمین های ویران، مسکن گزینم.... [۱۷۹] .

آزادی از تعلقات دنیایی

دختر اشرف مخلوقات عالم، همسر برترین مردمان و سرور زنان دو عالم، در نهایت زهد و دوری از دنیا و حتّی ابتدایی ترین نیازهای یک زندگی ساده و عادی می زیست.در زیارت آن حضرت می خوانیم: «حلیفه الورع و الزهد [۱۸۰] ؛ بریده از دنیا و فانی در ذات احدیت بود».حسن بصری می گوید: «لم یکن فی الاُمه ا زهد و لا ا عبد من فاطمه؛ در امت پیامبر (ص) زاهدتر و عابدتر از زهرا (س) نبود». [۱۸۱] .حضرت مهدی (عج) نیز با اقتدا به مقتدای خویش، در نهایت زهد و سادگی زندگی می کند.حضرت صادق (ع) می فرماید:فوالله! ما لباسه اِلا الغلیظ و لا طعامه اِلا الجشب. [۱۸۲] .به خدا سوگند! لباس مهدی (عج) جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی سخت نیست.

بندگی خداوند

حضرت زهرا (س) به حدّی خالصانه خداوند را عبادت می کرد که خداوند با او بر ملایکه مباهات می کرد و می فرمود:بنگرید به بهترین بندهِ من فاطمه! او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمامی وجودش می لرزد و با تمامی حضور قلب، به عبادت من روی آورده است. [۱۸۳] .امام حسن (ع) می فرماید:مادرم، در شب های جمعه، در محراب به عبادت می ایستاد و مدام رکوع و سجده می کرد تا صبح طلوع می کرد. [۱۸۴] .حضرت، به قدری عبادت می کرد که قدم هایش ورم کرد. [۱۸۵] .حضرت مهدی (عج) هم به قدری عبادت خداوند را می کند که رنگ رخسار مبارکش متمایل به زرد است.امام کاظم (ع) می فرماید: «مهدی، بر اثر تهجّد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل می شود». [۱۸۶] .

مبارزه با انحراف ها و بدعت ها

زهرا (س) فدای رسالت و ولایت شد تا دین بماند، بدعت ها و انحرافات از بین برود و تلاش های پدرش به ثمر برسد. دربارهِ مبارزات آن بزرگوار با انحرافات، سخن فراوان است. خطبهِ فدکیه و خطبه های دیگر آن بانوی پهلو شکسته و مصیبت دیده، گویای مبارزهِ حضرت است. [۱۸۷] .حضرت مهدی (عج) هم با بدعت ها و انحرافات مبارزه می کند و فرایض الهی و سنن نبوی را احیا خواهد کرد.امام صادق (ع) می فرماید: «بدعتی نمی ماند جز آن که از بین می برد و سنّتی نمی ماند جز آن که بر پامی دارد». [۱۸۸] .حضرت علی (ع) می فرماید: «هر چه از کتاب و سنّت، متروک مانده، زنده خواهد کرد». [۱۸۹] .در دعای شریف ندبه می خوانیم:ا ین المؤ مل لِاحیاء الکتاب و حدوده؟ ا ین محیی معالم الدین و ا هله؟ ا ین المدّخر لتجدید الفرائض و السنن؟ [۱۹۰] .کجا است آرزو کشیده برای زنده کردن قرآن و حدودش؟ کجا است زنده کنندهِ آثار دین و اهل دین؟ کجا است آن ذخیرهِ الهی برای تجدید واجبات و سنت های اسلام؟

غم خواری و توجه به امور مسلمانان به ویژه شیعیان

یکی از علت هایی که فاطمه (س) را به میدان آورد و آن همه مصایب و آزارها را تحمّل کرد، همّ و غمّ آن حضرت نسبت به امّت پدرش و شیعیان شوهرش و مصایبی که دامن گیرشان خواهد شد بود.حضرت، همراه اشک ها و ناله هایش، در فراق محبوبش به

پـدر بزرگوارش عرضه می دارد:یـا ا بتـاه! مَن للاـ رامـل و المساکین؟ و مَن للا مّه اِلی یوم الـدین؟ [۱۹۱] .پـدر جان! پس از تو، چه کسـی به فریاد یتیمان و مساکین خواهد رسـید؟ پدر جان! برای امّت، چه کسی پس از تو، تا قیامت خواهد بود؟حضرت، تا بدان جا نسبت به امور امّت پدرش اهتمام می ورزد که شب تا صبح را پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا می گذراند و همواره، مؤمنان را دعـا می کنـد و از برای خود دعـایی نمی کنـد. وقتی فرزنـد دل بنـدش حسن (ع) علّت را جویـا می شود؟، می فرمایـد: «الجار ثم الدار». [۱۹۲] .حضـرت مهـدی (عـج) نیز غم خوار همگان، به ویژه شـیعیان است و برای آنان دعا می کنند. توقیعات و ملاقات های فراوان، بر این مطلب دلالـت می کنـد.حضـرت، در توقیعی می فرمایـد:... به من رسـیده است که گروهی از شـما، در دین، به تردید افتاده ایـد و در دل، نسبت به اولیای امر خود، دچار شک و حیرت شده اید! این، مایه غم و اندوه ما شد. به خاطر شـما و نه به خاطر خودمان و دربارهِ شما ناراحت شدم نه دربارهِ خودمان.... ما بر احوال شما آگاهیم و اوضاع شما بر ما پوشیده نیست. ما در رسیدگی و توجّه به شما، کوتاهی نکرده ایم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم. اگر جز این بود، مشکلات و گرفتاری ها بر شما روی می آورد و دشمنان شما را نابود می کردند. [۱۹۳] .

ایثار و انفاق

از خود گذشـتگی و انفاق حضـرت زهرا (س) مطالب بسـیاری دارد و بحث مستقلی را می طلبد. گذرا، به برخی از آن ها اشاره می کنیم.هر کس از هر کجـا ناامیـد می شـد، به دَرِ خانه زهرا می آمـد و با حاجتی روا شـده برمی گشت. مکرّر، این اتفاق می افتاد که پیامبر (ص) محرومان را دَرِ خانه او می فرسـتادند. حضـرت پیراهن شب عروسـی و گردن بند خویش را به نیازمندان بخشید. او حتی طعام و قرص نان و دست بنـد و گوشواره و حتّی پرده و فرش منزل خویش را به سائل داد. بخشـندگی وی بـدان مرحله می رسد که در کتاب خداوند ثبت می شود:)ویطعمون الطعام علی حبّه مسـکیناً و یتیماً و ا سیراً. ([۱۹۴] .حضرت مهدی (عج) فرزند مادری این چنین است. از این رو، پناه محرومان و درمانـدگان است.امام باقر (ع) فرمود: «مهدی، بخشـنده ای است که مال را به وفور می بخشد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است». [۱۹۵] .

تلاش

حضـرت زهرا (س) از همـان اوان کودکی، در راه دین مجاهـده می کرد. هر زمـان پیامبر را خطری تهدیـد و مصـیبتی آزار می داد، زهرا (س) به میدان می آمد. پیامبر را از توطئهِ قتلش آگاه کرد. [۱۹۶] خاکستر از روی پدر سترد. در جنگ احد، آن گاه که دندان مبارک پیامبر (ص) شـکست و پیشانی اش مجروح شـد و سـر و صورت حضـرت، غرقه در خون گشت، او به مداوای پیامبر مشـغول شـد.حضـرت، در راه ولایت آن قـدر تلاش و مجاهدت کرد تا در این مسـیر، جان عزیزش را فدا کرد. او شب ها به همراه علی (ع)، دست حسـنین را می گرفت و به خانهِ مهاجران و انصار می رفت و آنان را به یاد بیعتشان در عقبه و غدیر می انداخت و فضایل علی را یادآورشـان می شـد. بـا این هـدف والا که امام زمان شان را به آنان بشـناساند و آنان را از مرگ جاهلیّت برهانـد و یاورانی برای امـام زمـان خویش فراهم کنـد.حضـرت مهـدی (عـج) نیز برای تحّقق آرمـان هـای والاـی پیامبر و در ادامهِ مسـیر حرکـت زهرا (س) همواره مشـغول مجاهـدت و سازنـدگی است.امام رضا (ع) می فرماید: «او، شـتابنده به سوی نیکی ها و بزرگواری ها و تلاش گری سخت کوش است». [۱۹۷] .

پاورقی

[۱] برای اطلاع بیشتر، به کتابهای کمال الدین، منتخب الاثر، مَن هو المهدی (علیه السّلام) و در انتظار ققنوس، مراجعه شود.

[۲] روزگار رهایی، ج۱، ص ۷۲؛ به نقل ا ز البیان ، ص ۶۳ و از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۰ و چند منبع دیگر.

[۳] روزگار رهایی ج ۱، ص ۷۷؛ به نقل ا ز بیش از ده منبع.

[۴] من هو المهدی (علیه السّلام)، ص ۹۰، به نقل از سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۱۵۱ و بیش از بیست منبع دیگر عامه.

[۵] من هو المهدی (علیه السّلام)، ص ۹۰، به نقل ا ز ده منبع عامه.

[۶] در انتظار ققنوس، ص ۱۰۳، به نقل از عامه و خاصه.

[۷] بحارالا نوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲، ح ۲۲۴، به نقل ا ز کفایه الاثر، ص ۲۶.

[۸] ر.ک: به کمال الدین، ج ۱، باب ۲۷ و ۲۸؛ بحارالانوار ج ۳۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۵.

[۹] من هو المهدی (علیه السّلام)، ص ۲۴.

[۱۰] ر.ک: به منتخب الا ـثر، ص ۸۴، ح ۲ و بحارالا نوار، ج ۳۶، ص ح ۱۱۰، روایتی از کفایه الاثر از ابوذر نقل می کنـد، وبحارالا نوار، ج ۲۸، ص ۵۲، ح ۲۱ و عـوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۷۹، از سـلمان فارسـی، و بحارالا نوار، ج ۴۰، ص ۶۶، ح ۱۰۰ از سلمان فارسی (روایت زیبایی است)، بحارالا نوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴۶، از جابربن عبدالله انصاری ، و بحارالا نوار، ج ۳۶، ص ۳۲۸، ح ۱۸۴، از عمار، و کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۳، الباب التاسع.

[۱۱] کشـف الغمه، ج ۳، ص ، به نقـل از اربعون حافظ ابونعیم احمـد بن عبـداللّه و بحارالا ـ نوار، ج ۵۱، ص ۷۹، به نقل از کشـف الغمه.

[۱۲] برای تحقیق بیشتر به کتاب کامل الزیارات، باب ۱۶، و بحارالا نوار، ج ۴۳ و ج ۴۴، ص ۲۳۱ مراجعه شود.

[۱۳] منتخب کامل الزیارات، ص ۳۹ و کامل الزیارات، باب ۱۶، ح ۸، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۴.

[۱۴] منتخب کامل الزیارات، ص ۳۶ و کامل الزیارات ، باب ۱۶ ح ۶ و بحارالانوار ج ۴۴، ص ۲۳۲ و بحارالانوار ج ۴۳، ص ۲۴۵، ح ۲۰.

[۱۵] الغیبه الطوسـی، ص ۱۷۳، در ضـمن بعضـی توفیقـات و بحارالا نوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰ و احتجـاج، چـاپ اسوه، ج ۲، ص۵۳۷، و المختار من کلمات الامام المهدی (عج) ج۲، ص ۲۲۹.

[۱۶] بـا تـوجه بـه آن نکـاتی که در روایت هست: ۱- تقـدیم ما حقه التاخر یفیـد الحصـر، ۲- حضـرت نمی فرمایـد مادرم بلکه می فرماید: فی ابنه رسول اللّه، صلّی الله علیه وآله، در این اضافه نکاتی هست، تأمل شود.

[۱۷] اشاره به آیه سوره ممتحنه.

[۱۸] فاطمه، بهجه قلب المصطفی (ص)، به نقل ا ز الغدیر و او به نقل ا ز چند منبع عامه.

[۱۹] همان، ص ۱۸۵، به نقل از الغدیر و او به نقل از چند منبع عامه.

[۲۰] همان، ص ۲۱۴، به نقل از مناقب (برای تحقیق بیشتر به کتاب فاطمه بهجه قلب المصطفی (ص) رجوع شود.

[۲۱] بحارالا نوار، ج ۴۳، ص ۶۳، ح ۵۸.

[۲۲] تفسیر فرات، چاپ، داودی ص ۲۱۸ و چاپ، موسسه نشر، ص ۵۸۱.

[۲۳] تفسیر البرهان ، ج ۴، ص ۴۸۷،ح ۲۴ - تفسیر فرات چاپ، موسسه نشر ص ۵۸۱ در پاورقی.

[۲۴] دلیل آفتاب، ص ۱۸.

[۲۵] فاطمه ، بهجه قلب المصطفی، ص ۱۵۳ - ر.ک: به شرح فصِ حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیته، آیه الله حسن زاده آملی.

[۲۶] دخان، ۴-۱.

[۲۷] الکافی ، کتاب الحجه، باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السّلام)، ح ۴.

[۲۸] برای توضیح بیشتر به کتاب سوگند به نور شب تاب ، صفحه ۲۲ مراجعه شود که مطالب زیبایی آورده.

[۲۹] فاطمه ، بهجه قلب المصطفی، ص ۳۶۵ به نقل از بحارالا نوار، ج ۸ ، ص ۱۰۹ الی ۱۱۲.

[۳۰] نجم الثاقب، ص ۲۹ و ۴۲.

[۳۱] بحارالا نوار، ج ۱۰۲، ص ۲۴۶. مفاتیح الجنان، (استغاثه به حضرت حجه)«علیه السّلام».

[۳۲] هود، ۸۶.

[۳۳] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۱۰ به نقل از بحارالا نوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳ وح ۱۶۵، به نقل از منتخب الاثر، ص ۵۱۷.

[۳۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۶۰ به نقل از نه منبع.

[۳۵] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۸۵ به نقل از دوازده منبع – نجم الثاقب، ص ۴۰.

[۳۶] روزگار رهایی، ج ، ص۶۶۳ به نقل از الزام الناصب، ص ۵۷.

[۳۷] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۶، به نقل از بحارالانوار.

[۳۸] یس، ۵۲.

[۳۹] فروع کافی، ط دارالا ضواء، ج ۸، ص ، ح ۳۴۶.

[۴۰] مراه العقول، ط دارالکتب، ج ۲۶، ص ۲۱۷.

[۴۱] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۲۱ به نقل از ذخائر العقبی (طبری) و به نقل از نزهه المجالس (صفوری)، ص ۲۲۷.

[۴۲] احزاب، ۳۷.

[۴۳] ر.ک: به فاطمه، من المهد الی اللحد و فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) تحت عنوا ن طاهره.

[۴۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۶ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ و به نقل از اعلام الوری، ص ۳۸۱ و چند منبع دیگر.

[۴۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۰۶ به نقل از بحارالا نوار، ج ۵۲، ص و بشاره الاسلام، ص ۲۳.

[۴۶] کمال الدین، چاپ جامعه مدرسین، ج ۲، ص۵۱۳ و مفاتیح، دعا در غیبت امام زمان (علیه السّلام).

[۴۷] لسان العرب، ماده برک.

[۴۸] تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص۱۲۴.

[۴۹] المیزان، ج ۲۰، ذیل سوره کوثر.

[۵۰] برای توضیح بیشتر، به کتب تفسیری، وکتاب فاطمه، من المهد الی اللحد، و فاطمه، بهجه قلب المصطفی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) رجوع شود.

[۵۱] در شباهت سوم، گذشت.

[۵۲] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۵۰، به نقل از الملاح والفتن، ص ۱۰۸.

[۵۳] فاطمه (علیهاالسّلام)، من المهد الی اللحد، ص ۱۰۵.

[۵۴] جنه العاصمه، ص ۵۷.

[۵۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص۱۰۸۸، به نقل از غیبت طوسی، ص ۲۶۹ و منابع دیگر.

[۵۶] جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۳۰.

[۵۷] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (علیهاالسّلام)، و اقبال سیدبن طاووس، عمل روز بیستم جمادی الاخره.

[۵۸] همان.

[۵۹] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۳، به نقل از بحارالا نوار، ج ۴۳، ص ۷۹ و ۸۰ و ۱۹۵.

[۶۰] به تعبیر استاد، این روایت از روایات صحیحه ائی است که حضرت امام (ره) به آن استناد می کردند و این هبوط جبرئیل را بر حضرت زهرا (علیهاالسلام) از بزرگترین فضایل می شمارد ر.ک: به کتاب چشمه در بستر، چاپ حضور، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۸۶.

[۶۱] فاطمه ، من المهد الی اللحد، ص ۱۱۱، به نقل ا ز علل الشرایع.

[۶۲] روزگار رهایی، ج ۱، ص۷۴ به نقل از ا صول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴ و چهار منبع دیگر.

[۶۳] همان، ص ۸۸ به نقل از کشف الغمه ج ۳، ص ۲۹۷.

[۶۴] اصول کافی، باب ماجأ فی الاثنی عشر والنص علیهم، ح ۱۱.

[۶۵] سوره قدر.

[۶۶] تفسیر برهان، ذیل آیه، ح ۲۰ و ح ۲۳.

[۶۷] تفسیر قمی، ج ۲، ص۴۳۲.

[۶۸] روزگار رهایی ، ج ۱، ص ۱۳۲، به نقل از الزام الناصب، ص ۹.

[۶۹] حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۰۰.

[۷۰] قصص، ۷، واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه.

[۷۱] نحل، ۶۸، واوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا.

[۷۲] جنه العاصمه، ص ۶۰، به نقل از بحارالا نوار و فاطمه ، بهجه قلب المصطفی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) کلمه زهرا.

[۷۳] جنه العاصمه، ص ۷۲، به نقل از کتاب فضائل (شاذان بن جبرئیل قمی ره).

[۷۴] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۸ ذیل آیه نور – تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ، ح ۱۶۹ به نقل از اصول کافی.

[۷۵] کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۹.

[۷۶] بحارالا نوار، ج ۳۶، ص ۳۰۲ – شبیه این روایت، در عیون اخبار الرضا (علیه السّلام)، ج ۱، ص ۴۷.

[۷۷] جنه العاصمه، ص ۶۷.

[۷۸] در آن روز، مؤمنان خوشحال می شوند به یاری خداوند، و او، هر کس را بخواهد، یاری می کند، و او صاحب قدرت و رحمت است.

[۷۹] تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۵۸، ح ۶، ذیل آیه کریمه، بحارالا نوار، ج ، ص ۴، ح ۳ و ص ۱۸، ح ۱۷.

[۸۰] همان، ح ۲.

[۸۱] همان، ح ۵.

[۸۲] اسرا، ۳۳ (کسی که مظلومانه کشته شود، ما برای ولی او، سلطه قرار دادیم. پس، اسراف در قتل نکند. به درستی که او منصور و یاری شده است).

[۸۳] بحار، ج ۵۱، ص ۳۰ ر.ک: به تفسیرالبرهان و نورالثقلین و قمی و...

[۸۴] مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

[۸۵] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۷۸، به نقل از کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴، و ده منبع دیگر – کمال ا لدین، باب ۳۲، ح ۱۶.

[۸۶] مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

[۸۷] فاطمه بهجه قلب المصطفی، ص ۱۹۸، به نقل از بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱.

[۸۸] همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۱۴.

[۸۹] همان، به نقل از الریاض المنضر، ج ۲، ص ۲۰۲.

[۹۰] همان، ص ۸-۳۵۶ به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، خطبه فدکیه، و به نقل از احتجاج، خطبه فدکیه.

[۹۱] روزگار رهایی، ج ۲، ۶۰۹، به نقل از الزام الناصب، ص ، و سه منبع دیگر.

[۹۲] جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۹-۳۸. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (علیهاالسّلام).

[۹۳] کمال الدین، ط جامعه مدرسین، ج ۲، ص . مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان (علیه السّلام).

[۹۴] کمال الدین، ب ۲۸، ذیل، ح ۱.

[۹۵] مطلع الفجر، ص ۱۸۲، به نقل از راهی به سوی نور، ص ۱۸۰.

[۹۶] ر.ک: به کتاب فاطمه ، بهجه قلب المصطفی (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم)، ص ۲۵۹.

[۹۷] اقبال سیدبن طاووس عمل روز بیستم جمادی الاخره.

[۹۸] همان، مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت زهرا (علیها السلام).

[۹۹] مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

[۱۰۰] سوره نور، ۳۵.

[۱۰۱] تفسیر قمی ج ۲، ص ۷۸، ذیل آیه - تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ، ح ۱۶۹ به نقل از اصول کافی.

[۱۰۲] فلاح السائل، ط دفتر تبلیغات، ص ۱۷۱ و ط دفتر تبلیغات با تحقیق، ص ۳۰۸.

[۱۰۳] بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۳ - حاشیه مفاتیح الجنان، نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیهاالسّلام).

[۱۰۴] بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۲.

[۱۰۵] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، توقیع ۵، به نقل از احتجاج. مفاتیح الجنان. زیارت حضرت صاحب الزمان (علیه السّلام) معروف به زیارت ال یس (علیهم ا لسّلام).

[۱۰۶] نقل دیگری هست که، پیامبراکرم (صلی اللّه علیه وآله وسلّم) فرمودند: بگو: یا صاحب الزمان، اغثنی، یا صاحب الزمان ادرکنی، (ای صاحب زمان به فریاد من برس، ای صاحب زمان مرا دریاب) پس در خواب فریاد زدم: یا صاحب الزمان، اغثنی یا صاحب الزمان ادرکنی (نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، قضیه اول، ص ۷۲۹).

[۱۰۷] الدعوات ، راوندی، ص ۲-۱۹۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴ و ج ۹۴، ص ۳۵ و نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، قضیه اول، ص ۷۲۹.

[۱۰۸] مفاتیح الجنان، دعای فرج حضرت حجه (علیه السّلام).

[۱۰۹] منتهی الامال، آخر فصل ششم.

[۱۱۰] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ، و مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۷، به نقل از جنه المأوی، ص ۲۹۲.

[۱۱۱] بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۹ به نقل ا ز احتجاج طبرسی، ط اسوه، ج ۱، ص ۲۵۳.

[۱۱۲] انتظار بکشید، ما هم ، انتظار می کشیم - آیات به این مضمون، متعدد است، از جمله، انعام، ۱۵۸، یونس، ۲۰ و ۱۰۲ و هود، ۱۲۲.

[۱۱۳] ر.ک: به تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳، و ح ۴، و ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱، و ص ۲۳۲، ح ۴، و ح ۵، و ص ۲۰۵، و به تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۵۰، و ص ۱۵۹، ح ۶۲ - و به کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵.

[۱۱۴] انعام، ۱۵۸.

[۱۱۵] تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳.

[۱۱۶] همان، ح ۴.

[۱۱۷] تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۴.

[۱۱۸] بقره، ۳ – ۱ – الم – آن کتابی که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزکاران است، آنها، کسانی هستند که، به غیب ایمان می آورند.

[۱۱۹] یونس، ۲۰.

[۱۲۰] تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱.

[۱۲۱] نغمه های فاطمیه، ص ۱۷.

[۱۲۲] کمال الدین، ج ۲، باب ۳۶، ح ۳؛ ر.ک: به غیبت نعمانی، ص ۴۱، ذیل آیه و رابطوا ای رابطوا امامکم المنتظَر و ر.ک: به روزگار رهایی، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۰۹ و ۲۷۶ و ۳۲۷ و ۵۰۰.

[۱۲۳] کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۶، و ح ۱۱.

[۱۲۴] مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان (عج).

[۱۲۵] بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۴؛ فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۷۷.

[۱۲۶] زمر/ ۶۹. (زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود).

[۱۲۷] تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه، ح ۱۲۱. (محدث نوری (ره) چند روایت از تفسیر علی بن ابراهیم و ارشاد مفید و غیبت طوسی و کمال الدین صدوق و کفایه الاثر شیخ خزّاز و غیبت فضل بن شاذان نقل می کند و می گوید به قرینه حدیث اول، معلوم می شود مراد، نور ظاهری است وگرنه ممکن است گفته شود مراد نور معنوی است که نور علم و حکمت و عدل باشد؛ نجم الثاقب، جمکران، خصلت بیست و نهم، ص ۱۶۸).

[۱۲۸] البته ممکن است این روایت، یک تفسیر باطنی هم داشته باشد که تمام ظلمت ها می رود حتّی ظلمت های نورانی یا پیشرفت های علمی می شود که به نور خورشید و ماه نیاز نباشد. (باید تأ مل کرد).

[۱۲۹] شیخ طوسی، الغیبه، ح ۴۸۴، ص ۴۶۷؛ المحجه فیما نزل فی القائم (عج)، ذیل آیه، ص ۷۴۸؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه، ح ۱۲۲.

[۱۳۰] همان، موسسه معارف اسلامی، ح ۴۸۷، ص ۴۷۰؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ عزیز آل یاسین (ع)، ص ۴۸ (به نقل از مهدی منتظر در نهج البلاغه، ص ۱۱۴).

[۱۳۱] نعمانی، الغیبه، عربی، ص ۱۵۱، و نشر صدوق، ص ۳۲۳.

[۱۳۲] منتخب الاثر، باب، ا نّه ابن سیّد الاِماء، (به نقل از کفایه الاثر و کمال الدین).

[۱۳۳] همان، باب ا نّه ابن سید الاِماء، (به نقل از کمال الدین) ر.ک: معجم احادیث الِامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۶۹۱، ص ۱۶۵.

[۱۳۴] امالی صدوق، مجلس ۸۷، ح ۹۴۷/۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵. فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۲۹ به نقل از عامه و خاصه.

[۱۳۵] کمال الدین، ب ۴۲، ح ۲؛ نجم الثاقب، ط جمکران، باب اول، ص ۳۹؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ذیل سوره قدر، ح ۱۹، ص ۶۱۶.

[۱۳۶] ر.ک: به بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۶۲، ۶۴ و ۲۲۵ و ج ۸، ص ۵۳.

[۱۳۷] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۷۴۳ (به نقل از کنزالفوائد، ح ۱، ص ۱۵۰).

[۱۳۸] مقتل خوارزمی، چاپ انوارالهدی، ج ۱، ح ۲۵، ص ۱۰۱.

[۱۳۹] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۰ (به نقل از کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۶).

[۱۴۰] مناقب ابن شهر آشوب، چاپ دارالاضواء، ج ۱، ص ۳۵۵.

[۱۴۱] سید بن طاووس، اقبال، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ در مفاتیح الجنان: «السلام علیک ا یتها المظلومه المغصوبه».

[۱۴۲] همان، عمل روز بیستم جمادی الاخر؛ مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت زهرا (س).

[۱۴۳] شیخ طوسی، امالی، ص ۱۵۶، ضمن ح ۲۵۸.

[۱۴۴] معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۵۹۵، ص ۴۳.

[۱۴۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۸ (به نقل از ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱).

[۱۴۶] کمال الدین، باب ۳۴.

[۱۴۷] معجم ا حادیث الِامام المهدی (عج)، ج ۳، ح ۷۵۲، ص ۲۲۹.

[۱۴۸] همان، ج ۳، ح ۸۳۳، ص ۲۹۷، و ح ۱۰۷۲، ص ۵۰۰.

[۱۴۹] همان، ج ۴، ح ۱۰۹۸، ص ۲۰؛ و کمال الدین، باب ۵۸، ح ۲۵.

[۱۵۰] عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، ص ۱۷۶، (پاورقی).

[۱۵۱] همان (به نقل از: شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۳، ص ۱۶۰).

[۱۵۲] فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی (ص)، ص ۱۹۸، (به نقل از بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱).

[۱۵۳] همان، ح ۶، ص ۱۰۹ (به نقل از احقاق الحق، ح ۱۰، ص ۱۸۵) و ر.ک: بحارالانوار، ج ۳۶، ح ۱۱۰، ص ۲۸۸.

[۱۵۴] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت فاطمه زهرا (س)، مقتل خوارزمی، ج ۱، ح ۲۱، ص ۹۹.

[۱۵۵] چهل حدیث پیرامون نور یزدان، ص ۱۴ (به نقل از: کفایه الا ثر، ص ۱۵۹).

[۱۵۶] نغمه های فاطمیه (س)، ص ۲۴.

[۱۵۷] با دعای ندبه در پگاه جمعه، ص ۱۶ (به نقل از عیون ا خبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸).

[۱۵۸] مفاتیح الجنان، دعای عهد.

[۱۵۹] مکیال المکارم (فارسی) ج ۲، ص ۲۱۸ و (عربی) ج ۲، ص ۱۶۰ (به نقل از کتاب غایه المرام، سید محدث بحرانی (ره) ص ۱۸۹ باب ۲۳ ح ۱۰۵؛ به نقل از غیبت نعمانی، نشر صدوق، ح ۲۴، ص ۱۳۳).

[۱۶۰] کامل الزیارات، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶.

[۱۶۱] همان، پیام حق، ۱۳۷۷، باب ۴۰، ح ۴، ص ۳۸۶؛ مفاتیح الجنان، فصل هفتم، مقصد اول (به نقل از ابن قولویه و کلینی و سید بن طاووس و دیگران).

[۱۶۲] بحار الا نوار، ج ۴۵، ح ۱۲، ص ۴۰۱؛ النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۹۵.

[۱۶۳] النجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، ص ۴۸۹؛ مفاتیح الجنان، تشّرف حاج علی بغدادی.

[۱۶۴] ر. ک: خلاصه العبقری الحسان، ص ۳۴؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۰.

[۱۶۵] ر.ک: صحیح بخاری، دارالکتب العلمیه، ج ۳، باب ۴۰، باب غزوه خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.

[۱۶۶] کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۴؛ بحار الا نوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

[۱۶۷] همان، ج ۲، باب ۴۵، توقیع ۴.

[۱۶۸] نور: ۵۵.

[۱۶۹] روزگار رهایی، ج ۲ ص ۶۰۷.

[۱۷۰] ر.ک: چشمه در بستر، ص ۲۵۵؛ فرهنگ فاطمیه، ص ۱۴۰ (به نقل از بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷).

[۱۷۱] بحار الا نوار، ج ۴۳، ص ۳۵.

[۱۷۲] ر.ک: چشمه دربستر، ص ۴۳۴، و بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، قسمت دوم، ص ۸۱۴؛ ا علام النساء، ج ۴، ص ۱۲۸.

[۱۷۳] صحیح بخاری، دارالکتب العلمیه، باب غزوه خیبر، ح ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱، ص ۸۰.

[۱۷۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۱، (به نقل از کافی، ج ۱، بابٌ فی الغیبه، ح ۳۱ و به نقل از بحارالا نوار، ج ۵۲، ص ۹۰).

[۱۷۵] کافی، ج ۱، بابٌ فی الغیبه، ح ۲۵.

[۱۷۶] همان، ح ۱۳ و ۳۰.

[۱۷۷] همان، ح ۱۲؛ الغیبه نعمانی، ح ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، ص ۲۵۱.

[۱۷۸] احتجاج، دارالاسوه، ج ۲، ص ۵۹۷.

[۱۷۹] طوسی، الغیبه، معارف اسلامی، ص ۲۶۶.

[۱۸۰] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا.

[۱۸۱] خوارزمی، مناقب، ج ۳، ص ۱۴۱.

[۱۸۲] الغیبه، نعمانی، ص ۲۲۲؛ بحارالا نوار، ج ۵۳، ص ۳۵۴.

[۱۸۳] بحار الا نوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.

[۱۸۴] همان، ص ۸۱ و ۸۲.

[۱۸۵] همان، ج ۴۳، صص ۷۶ و ۸۴.

[۱۸۶] همان، ج ۸۶، ص ۸۱.

[۱۸۷] ر.ک: چشمه در بستر، صص ۳۵۵ و ۴۳۴.

[۱۸۸] ینابیع الموده، ج ۳، ص ۶۲؛ الزام الناصب، ص ۲۲۳.

[۱۸۹] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸.

[۱۹۰] مفاتیح الجنان، دعای شریف ندبه.

[۱۹۱] بحار الا نوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶.

[۱۹۲] همان، ج ۴۳، ص ۸۱.

[۱۹۳] احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ ر.ک: امام زمان (عج) و سید بن طاووس، ص ۱۷۵، دعای حضرت مهدی (عج) برای شیعیان.

[۱۹۴] دهر: ۲۱.

[۱۹۵] روزگار رهایی، ج ۲، ص ۵۹۸.

[۱۹۶] بحارالا نوار، ج ۱۸، ص ۶۰.

[۱۹۷] جمال الاسبوع، ص ۳۱۰؛ صحیفهِ مهدویه، ص ۲۹۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دستش رسیده، به او سهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹